

Jurisprudential Approach to New Concepts of Power

Mohammad Mahdi Mohagheghi*¹
Mohammad Hosein Saie²

Abstract

The structure of cyberspace has made governance of states difficult and complex. This space has created new types of power such as soft, network, intelligent and artistic power and has increased the activism of private actors and reduced the power of state actors. In the domestic arena, challenges such as virtual reality, digital economy, influence of multinational companies, border removal, espionage, cybercrime threaten countries. In the international arena, we are witnessing types of modern wars such as media, hegemonic, virtual postmodern and hybrid wars. Countries that have advanced technology have more power. In Islam, neutralizing enemy attacks is done through countermeasures and generating authority in various and new arenas. Iran's approach to new concepts of power to strengthen Iran's regional and global deterrence and authority will be done with the approach of eliminating threats and increasing its effectiveness in the international system. Iran must generate deterrent power to confront enemy aggression. Producing soft power, eliminating threats, deterrence, strengthening cybersecurity, and launching a national intelligence network are among the most important measures in this regard. To confront America's global power in cyberspace, Iran must seek in its foreign policy to separate America from its allies, establish a multilateral governance model for cyberspace through the creation of an independent institution or one under the United Nations, strengthen the global balance of power system, and increase its activism in Southeast Asia as the leading power.

Keywords: Power, cyberspace, soft power, artistic power, hybrid warfare, cyberspace governance,| balance of power.

1- Level 3 student at Qom Seminary and PhD student in Cultural Policy at Baqir-ul-Ulum University, Qom, Iran mm.mo64@yahoo.com

2- Assistant Professor, Faculty of Communication and Media, IRIB University and Member of the Supreme Council of the Cultural Revolution, Tehran, Iran saei@iribu.ac.ir

کاوشی فقهی در حکمرانی فضای مجازی: چالش‌ها و راهکارهای تقویت قدرت و بازدارندگی نظام اسلامی

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷

محمد مهدی محقی^{۱*}

محمدحسین ساعی^۲

چکیده

ساختار حاکم بر فضای مجازی، غیرمتمرکز، چندلایه، غیرسرزمینی، نهادگرن، تهدیدزا و هویت‌زداست. این ویژگی‌ها باعث دشواری و پیچیدگی حکمرانی دولت‌ها بر این فضا شده است. این فضا اقسام نوینی از قدرت مانند قدرت نرم، شبکه‌ای، هوشمند و هنرمندانه را پدید آورده و موجب افزایش کنشگری بازیگران خصوصی و کاهش قدرت بازیگران دولتی در حکمرانی ملی و جهانی شده است. در عرصه داخلی چالش‌هایی مانند واقعیت مجازی، اقتصاد دیجیتال، افزایش کنشگری بخش خصوصی، نفوذ شرکت‌های چندملیتی، مرززدایی، جاسوسی، تخریب و جرائم سایبری، کشورها را تهدید می‌کند. در عرصه بین‌المللی شاهد انواع جنگ‌های نوین مانند جنگ رسانه‌ای، هژمونیک، پست‌مدرن مجازی و هیبریدی هستیم. کشورهایی که از فناوری اطلاعاتی و ارتباطی پیشرفته و پیشروی برخوردار هستند، قدرت بیشتری دارند. در اسلام، خنثی‌سازی حملات دشمن از طریق اقدامات متقابل و تولید اقتدار در عرصه‌های گوناگون و نوین انجام می‌شود. رویکرد نظام اسلامی به مفاهیم نوین قدرت برای تقویت بازدارندگی و اقتدار منطقه‌ای و جهانی ایران با رویکرد تهدیدزدایی و افزایش تأثیرگذاری ایجابی و سلبی در نظام بین‌الملل انجام خواهد شد. طبق یافته‌های این پژوهش، جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهاجم همه‌جانبه دشمنان خصوصاً تهدید هیبریدی آمریکا در فضای مجازی باید تولید قدرت بازدارندگی کند. تولید قدرت نرم، تهدیدزدایی، بازدارندگی، تقویت امنیت سایبری و راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات از مهم‌ترین اقدامات در این خصوص به‌شمار می‌روند. همچنین ایران برای مقابله با قدرت جهانی آمریکا در فضای مجازی باید در سیاست خارجی خود به‌دنبال جدا کردن آمریکا از متحدانش، الگوی حکمرانی چندجانبه فضای مجازی از طریق ایجاد نهادی مستقل یا نیل‌سازمان ملل متحد و تقویت نظام موازنه قوای جهانی در فضای مجازی و افزایش کنشگری خود در منطقه جنوب شرق آسیا به‌عنوان قدرت اول منطقه باشد.

واژگان کلیدی

قدرت، فضای مجازی، قدرت نرم، قدرت هنرمندانه، جنگ هیبریدی، حکمرانی فضای مجازی، توازن قوا.

۱. طلبه سطح ۳ حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام قم،

mina.mohtaj@yahoo.com

قم، ایران

۲. استادیار دانشکده ارتباطات و رسانه دانشگاه صداوسیما و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران،

saei@iribu.ac.ir

ایران

۱. بیان مسئله

در جهان امروز، با پیشرفت فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، انواع قدرت‌های نوظهور در فضای مجازی شکل گرفته‌اند. این قدرت‌ها با تأثیرگذاری بر زندگی مردم و حتی دولت‌ها، توانسته‌اند به نوعی تعیین‌کننده جریان‌های سیاسی و فرهنگی جوامع باشند. قدرت رسانه‌های نوین و فضای مجازی، باعث شده رسانه‌های سنتی به چالش کشیده شوند. کاربران با استفاده از فضای مجازی، به راحتی می‌توانند در حوزه کسب‌وکار، تبلیغات، بازاریابی و تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری‌های سیاسی فعالیت کنند. این قدرت حرفه‌ای نوین، با توانایی جذب و تأثیرگذاری بر جمعیت و افزایش اعتبار فرد، به‌ویژه در فضای مجازی به‌عنوان یک قدرت نوظهور شناخته شده است. در دوره غلبه فضای مجازی، مفهوم قدرت نیز مانند سایر مفاهیم شناختی نوین بشر در قرن ۲۱م دچار تغییر و دگرگونی شده است. این تحولات باعث شده که شکل نوینی از ژئوپلیتیک سایبری پدید آید. رقابت قدرت‌های جهانی برای شکل دادن به حکمرانی فضای مجازی از طریق تقویت قدرت در عرصه‌های نوپیدا و توسعه هنجارهای فضای مجازی نشان‌دهنده ادامه کنشگری کشورها در این حوزه است. تحولات نوین در مفهوم قدرت و مناسبات سیاست داخلی کشورها و نیز مناسبات سیاسی منجر به یک «بازی بزرگ» در فضای مجازی بین کشورهای اتحاد پنج‌گانه (ایالات متحده، بریتانیا، استرالیا، کانادا و نیوزیلند) و بلوک چین و روسیه (چین و روسیه) شده است. پنج کشور متحد و بلوک چین و روسیه، قدرت‌های کلیدی فضای مجازی و کارآفرینان هنجارهای فضای مجازی هستند که رهبری آنها در ترویج اولویت‌های هنجار فضای مجازی جهانی نقش به‌سزایی دارد. با این حال، هر اردوگاه از مجموعه‌ای از ترجیحات هنجاری دفاع می‌کند که ذاتاً با دیگری در تضاد است. این امر منجر به رقابت فزاینده‌ای برای تولید قدرت در عرصه‌های نوین با هدف تسلط، تجویز و ترویج هنجارهای فضای مجازی شده است (Pijovi, 2021, p. 215). از آن‌جاکه مفهوم نوین حکمرانی با الزاماتی مانند استفاده از قدرت سخت در کنار مفاهیم نوین قدرت همچون قدرت نرم، هوشمندانه و هنرمندانه همراه است، در این پژوهش به دنبال شناخت و تبیین انواع قدرت‌های نوظهور در پرتو فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی خصوصاً در عرصه فضای مجازی و دیدگاه اسلام درباره تحولات نوین قدرت هستیم؛ زیرا

برای دسترسی به اهداف نظام اسلامی نیازمند استفاده از ظرفیت‌های نوین مبتنی بر ارزش‌های جامعه اسلامی به شیوه نرم، هوشمند و کم‌تنش از طریق تولید قدرت در عرصه‌های نوپدید هستیم.

۲. سوالات پژوهش

۱-۲. سؤال اصلی

مفهوم قدرت در عصر فضای مجازی دچار چه دگرگونی‌ها و تحولاتی شده است و دیدگاه اسلام درباره آن چیست؟

۲-۲. سؤال‌های فرعی

- با توجه به تغییر در شیوه نزاع قدرت‌ها در عصر فضای مجازی، مفاهیم مرتبط با حکمرانی چه تغییراتی پیدا کرده‌اند؟
- چه الگوهایی برای اعمال قدرت جهانی در فضای مجازی وجود دارد؟
- چه چالش‌هایی جمهوری اسلامی ایران را در فضای مجازی تهدید می‌کند؟
- جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند قدرت خود را در فضای مجازی افزایش دهد؟

۳. مبانی نظری و چهارچوب مفهومی

قدرت مفهوم گسترده‌ای دارد و بیشتر به‌عنوان توانایی تأثیرگذاری در محیط و دستیابی به اهداف و منافع از طریق وادار کردن دیگران به تغییر رفتار و دستیابی به هدف دلخواه تعریف می‌شود. قدرت در عرصه‌های گوناگونی کاربرد دارد. قدرت مفهومی نسبی است. در فردی‌ترین معنا، انسان در نسبت با محیط، هنگامی که توانایی انجام کار یا تأثیر بر بیرون از خود را داشته باشد، نسبت به آن قدرت دارد. قدرت در نسبت سنجی با دیگران، مفهومی اعتباری بعد الاجتماع است.

۱-۳. نظریه‌های قدرت

نظریه‌های قدرت به بررسی چگونگی توزیع و استفاده از قدرت در نظام‌های سیاسی

می‌پردازند. این نظریه‌ها از طریق مفاهیم و اصول مشترک در روابط قدرت بین سطوح گوناگون جامعه و نهادهای سیاسی الگوهایی را برای توصیف، تحلیل و پیش‌بینی چگونگی توزیع قدرت و تأثیر آن در هر نظام سیاسی ارائه می‌کنند.

قدرت در فلسفه «هابز»، فیلسوف سیاسی انگلیسی به معنای توانایی یا قابلیت انجام کاری است که شامل هرگونه دگرگونی در وجود، حرکت، یا فکر انسان می‌شود. وی با تمرکز بر ابعاد غیرفیزیکی، قدرت را توان ایجاد تمایز در امور جاری دانسته و آن را در به دسته افعالی و لزومی تقسیم کرده است. قدرت افعالی، قدرتی است که انسان با استفاده از اراده و تصمیم‌گیری خود می‌تواند برای انجام کاری به کار گیرد. قدرت لزومی یا قدرت کامل، قدرتی است که خداوند به عنوان خالق هستی به تمام موجودات می‌بخشد (هابز، ۱۳۷۸، ص. ۵۹). هابز باور داشت که افراد برای برآورده کردن منافع شخصی خود قدرت را به کار می‌برند تا بر دیگران سیطره یابند. او بر این باور است که انسان‌ها در حالت طبیعی برابرند؛ اما از طریق برتری‌جویی، منازعه و جنگ همدیگر را می‌درند. جمله مشهور او «انسان گرگ انسان است» به این وضعیت هولناک اشاره استعاری دارد. از نظر هابز داشتن ویژگی عقلانی برای انسان عامل تمایز وی از سایر موجودات است. وی عقل را تنها وسیله می‌داند تا از طریق آن انسان‌ها از امور نامطلوب و زیان‌بار دوری کنند و به منافع و لذا بد خودخواهانه‌شان در سایه قدرت دست یابند (Hampsher-Monk, 1992, p. 73).

«ماکس وبر»، جامعه‌شناس و فیلسوف آلمانی یکی از نظریه‌پردازان قدرت است. وی بر این باور است که در جامعه، نهادها و افرادی که به دارایی، ارزش، منافع و شناخت دیگران دسترسی دارند، برای واپالایش منابع، تعیین فرهنگ و ساختارهای اجتماعی و انتخاب سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های مهم، قدرت دارند. بر اساس «نظریه قدرت وبر»، تفاوت‌هایی بین چگونگی دسترسی افراد به منابع و چگونگی واپالایش آن منابع تفاوت وجود دارد. این تفاوت‌ها می‌توانند منجر به قدرت و نفوذ بیشتر برای یک گروه خاص شود و به این ترتیب می‌تواند بر روی سیاست‌ها، فرهنگ و ساختارهای اجتماعی تأثیر داشته باشد. ماکس وبر، قدرت را به سه نوع سنتی، کاریزماتیک و عقلانی تقسیم کرده است. او قدرت را فرصت

تحمیل اراده خود به دیگران در قالب یکی از سه الگوی مذکور ارزیابی می‌کند. در این تقسیم‌بندی، هر یک از انواع قدرت دارای ویژگی‌های متفاوتی است. در «قدرت سنتی» رئیس، مقام برتری خود را مدیون هنجارهای عمومی و منشأ قدرت، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی است و افراد با دنبال کردن هنجارها و سنت‌های موجود در جامعه، از قدرت سنتی بهره می‌برند. اقتدار سنتی در اشخاص خاصی عجین شده که آن را به ارث می‌برند یا آن را از یک مرجع اقتدار والاتری می‌گیرند. این نوع قدرت بیشتر در جوامع پیشاصنعتی یافت می‌شود. در قدرت کاریزماتیک افراد به دلیل جذابیت، استعدادهای فردی و هرچیزی که فرد را ممتاز می‌کند، به او اعتماد می‌کنند و او را به‌عنوان رئیس و حاکم خود قبول می‌کنند. این نوع قدرت در جوامع حداکثری و پیشرفته‌تر یافت می‌شود. در قدرت عقلانی، قدرت از روابطی به‌دست می‌آید که بر اساس منطق و قانون بنا شده است. این نوع قدرت از محدودیت‌هایی چون قوانین و مقررات حاکم بر جامعه و حقوق اساسی مشترک بهره می‌برد. این نوع قدرت نیز در جوامع حداکثری و پیشرفته‌تر یافت می‌شود (ویبر، ۱۳۸۴، ص ۴۳ و ۳۱۵).

«مانوئل کاستلز^۴»، جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز اسپانیایی مطالعات مهمی درباره رابطه قدرت با ارتباطات و ساختارهای اجتماعی داشته است. یکی از مهم‌ترین نظریه‌های او درباره قدرت بر نقش اطلاعات و ارتباطات در شکل دادن به توزیع قدرت در جامعه تأکید دارد. به عقیده کاستلز، قدرت تنها واپالایش منابع فیزیکی نیست بلکه شامل توانایی واپالایش جریان اطلاعات و ارتباطات در جامعه نیز می‌شود. او قدرت را بنیادی‌ترین فرایند جامعه می‌داند و استدلال می‌کند که برای داشتن قدرت در جامعه، باید بتوانید واپالایش منابعی را در دست داشته باشید که از آنها برای ایجاد ارتباطات و تأمین نیازهای جامعه استفاده کنید. همچنین ظهور فناوری‌های دیجیتال و اینترنت چگونگی اعمال قدرت را تغییر داده و اشکال جدیدی از قدرت را ایجاد کرده است که از طریق شبکه‌ها به‌جای ساختارهای سلسله‌مراتبی عمل می‌کنند. بخشی از مطالعات وی به این مسئله معطوف است که قدرت در کجای جامعه شبکه‌ای قرار دارد و درباره این مسئله مهم به این نتیجه می‌رسد که قدرت

4. Manuel Castells

در شبکه پیچیده‌ای از بازیگران اجتماعی، از جمله دولت‌ها، شرکت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، جنبش‌های اجتماعی و افراد توزیع می‌شود. این بازیگران درگیر مبارزه همیشگی برای واپالایش جریان اطلاعات و ارتباطات در جامعه هستند و کسانی که قادر به واپالایش این جریان‌ها هستند از قدرت و نفوذ بیشتری برخوردارند. کاستلز، کنترل‌کنندگان جریان ارتباطات را برنامه‌ریزان^۶ و سوییچرها^۷ (راه‌گزين‌ها) می‌داند که صاحبان اصلی قدرت هستند (کاستلز، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۳). کاستلز قدرت را یکپارچه یا فراگیر نمی‌داند بلکه آن را پراکنده و متمایز می‌داند که بازیگران گوناگون دارای اشکال و درجات گوناگونی از قدرت هستند. «نظریه قدرت کاستلز» بر اهمیت درک نقش اطلاعات و ارتباطات در شکل دادن به ساختارهای اجتماعی و روابط قدرت تأکید دارد. نظریه او با شناخت ماهیت پیچیده و پویای قدرت، ابزار قدرتمندی برای تحلیل توزیع قدرت در جامعه معاصر و شناسایی راهبردهایی برای تغییرهای اجتماعی و سیاسی فراهم می‌کند. کاستلز در نهایت نتیجه می‌گیرد که کنشگران تغییر اجتماعی با استفاده از تولید شبکه‌های مستقل از ارتباطات افقی و ایجاد سازوکارهای قدرت‌آفرینی در جامعه شبکه‌ای می‌توانند در تولید معنا و صیانت از نقاط مشترک شبکه‌های ارتباطی، برنامه‌های نوینی برای زندگی عاری از رنج، ترس و درد ابداع کنند (کاستلز، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۶).

نظام سلطه جهانی برای توجیه خوی استکباری و اعتلاطلبی خود در تحمیل اراده بر سایر کشورها اقدام به تولید نظریه‌هایی مانند «نظریه ثبات هژمونیک»^۸ کرده است. بر اساس این نظریه نظام جهانی در عرصه‌های گوناگون نیازمند یک قدرت فائق است تا قواعد و نظم جهانی را حاکم کند. این قدرت‌ها دیگر کشورها را وادار به پیروی از این نظم و قواعد می‌کنند. آمریکا بر اساس نظریه ثبات هژمونیک، تسلط خود را بر فضای مجازی جهانی برای امنیت جهانی لازم می‌داند و به دنبال حکمرانی واحد خود در فضای مجازی است. از این رو در پی توسعه همکاری بین سهامداران سایبری، محوریت آمریکا در همکاری امنیت سایبری کشورها و تولید هنجارهای مشترک در حوزه سایبری برای

5. Programmers

6. Switchers

7. Hegemonic stability theory

دستیابی به امنیت سایبری فراملی و کاهش تهدیدهای سایبری است (Kiggins, 2014, p. 162).

۲-۳. انواع قدرت

در دوران نوین تعریف قدرت بر محور اندیشه‌های «هابز» شکل گرفته است. او ماهیت قدرت را از جنس سلطه و برای توجیه اقتدار سیاسی نظام حاکم می‌داند. طبق دیدگاه «مارکس»، قدرت ویژگی طبقاتی داشته و به اقتدار سازمان‌یافته طبقات بالا برای سرکوب کارگران اشاره دارد. او قدرت را اعمال قهر متشکل یک طبقه برای سرکوب طبقه دیگر تعریف می‌کند (مارکس و انگلس، ۱۳۵۹، ص. ۸۱). «پارسونز»، جامعه‌شناس آمریکایی قدرت را قابلیت تعمیم‌یافته برای تضمین اجرای تعهدات الزام‌آور واحدهایی در نظام سازمان جمعی دانسته است (لوکس، ۱۳۷۰، ص. ۱۴۷). «الوین تافلر»، آینده‌پژوه آمریکایی، قدرت را استفاده فرد از خشونت، ثروت و دانایی برای بهبود وضعیت خود و اعمال تأثیر بر رفتار دیگران تعریف کرده است. او اصلی‌ترین ویژگی‌های قدرت را توانایی درونی هر فرد برای واپالایش رفتار خود، وادار کردن دیگران به خواست خود و همچنین توانایی جذب پیروان می‌داند. تافلر به‌عنوان سه نوع قدرت، قدرت متمرکز، قدرت منتشر شده و قدرت کارکردی را برشمرده است. در این دیدگاه، قدرت بر اساس سطح توانایی اجتماعات یا افراد برای واپالایش منابع، تصمیم‌گیری و تحقق اهداف تقسیم می‌شود (تافلر، ۱۳۷۵، ص. ۲۷). قدرت مورد تأمل اندیشمندان اسلامی نیز قرار گرفته است. مثلاً «ملاصدرا» قدرت را کیفیت نفسانی منشأ انجام یا ترک فعل و انگیزه درونی برای ترجیح ایجاد یا ترک فعل دانسته است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۴، ص. ۲۶۸).

۱-۲-۳. قدرت نرم^۸

«جوزف نای^۹» پژوهشگر مطالعات سیاسی آمریکایی، تلاش زیادی برای شاخص‌سازی کمی مقایسه توان ملی کشورها در وضعیت پس از جنگ سرد کرد. وی مفهوم نوینی با عنوان «قدرت نرم» را ابداع کرد و بر این باور شد که آینده قدرت در اختیار بازیگری است

8. Soft Power

9. Joseph Nye

که بتواند دیگر بازیگران را بدون اجبارکنندگی و دخالت فیزیکی، به تغییرات دلخواه متمایل کند. از این رو قدرت نرم و قدرت سخت به‌عنوان دو مفهوم مکمل شناخته می‌شوند. قدرت سخت به قدرتی اشاره دارد که از طریق اقدامات، ابزارها و تصمیمات مستقیم و آشکار دیگری را به اجبار به‌سوی هدف یا رفتار دلخواه وادار کند. قدرت نرم به مفهومی اشاره دارد که براساس آن، فرد یا سازمان با استفاده از فشارها و نفوذهای خود، به دیگران خود را وادار به انجام کارهایی می‌کند که در صورت عدم وجود فشار یا نفوذ، انجام آن‌ها ممکن نبود. قدرت نرم به قدرتی را بیان می‌کند که فرد یا سازمان مورد نظر ترغیب به همکاری می‌شود و نمی‌تواند به‌صورت مؤثری در برابر اراده طرف قدرت، مقاومت کند و در برابر آن ضعف و ناتوانی نشان می‌دهد. از این رو در قدرت نرم، جذب و فریب، استفاده از ابزار غیرمستقیم، فشار بازیگران غیررسمی، گروه‌های تروریستی، مافیاهای، بیماری‌های واگیردار، تغییرات آب و هوایی، فشار اقتصادی، تحریم، تبلیغات منفی و نفوذ کارایی مؤثری دارد. در این قدرت، همکاری جای خود را به اجبار می‌دهد (Nye, 1990, p 160 – 170). منابع قدرت نرم از سه سطح فرهنگ، سیاست و دیپلماسی برخوردار است. هر کشوری که دارای این سه سطح از قدرت باشد می‌تواند از طریق تهدیدهای نرم به تضعیف رقیب خود بپردازد؛ همانند فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که پس از دوران چند دهه رقابت بلوک غرب و شرق، در نهایت شوروی توان رویارویی در برابر قدرت نرم غرب را از دست داد و تسلیم اصلاحات یلتسین^{۱۰} شد. روی دیگر این سکه، به دست آوردن توان مقاومت در پرتو تقویت ابعاد تأمین‌کننده قدرت نرم و توان ایستادگی در برابر تهاجم کشورهای متخاصم است، همان‌گونه که محور مقاومت در برابر تهاجم همه‌جانبه صهیونیست‌ها ایستاده است. امروزه ارتباطات اجتماعی و اطلاعات یک سلاح مؤثر برای نفوذ و تحمیل اراده قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای است. در سطح فرهنگ برای به‌بار نشستن تهاجم فرهنگی از طریق تضعیف منابع مولد قدرت کشور هدف در درازمدت و با صبوری باید اقدام کرد. منابع مولد که مورد هدف این تهاجم نرم قرار می‌گیرند می‌توانند مواردی مانند قدرت زبان، تمرکز بر فرهنگ ملی به‌جای محلی و بومی از طریق محصولات فرهنگی، فیلم، موسیقی، کتاب و

10. Yeltsin

نشریات باشند. در این فرآیند باید عناصر آزادمنشی، تساهل و تسامح و تنوع‌طلبی جامعه هدف را تحریک کرد، همان‌گونه که ترویج فرهنگ غربی و الگو شدن سبک زندگی آمریکایی در اتحاد جماهیر شوروی سابق و اروپای شرقی باعث ایجاد برتری نرم غرب و آمریکا بر بلوک شرف و افول قدرت شوروی سابق شد. این‌گونه فرهنگ سیاسی کشور هدف تغییر می‌کند و مردم و مسئولان آن مانند کشور مهاجم فکر می‌کنند.

نظریه «الکساندر ووینگ»^{۱۱}، اندیشمند مطالعات سیاسی آمریکایی درباره قدرت نرم کشورها بر اساس مفهوم متغیرهای مهربانی، هوشمندی و جذابیت (زیبایی) بنا شده است. کشورهایی که بیشترین مهربانی، هوشمندی و جذابیت را دارند، بیشترین قدرت نرم را خواهند داشت و به‌عنوان مرجع نرم و تبادلات فرهنگی برای دیگر کشورها شناخته می‌شوند و این درنهایت باعث افزایش تأثیرگذاری و قدرت آنها در سطح بین‌المللی می‌شود. متغیر «مهربانی» به‌معنای توانایی یک کشور در برقراری روابط دوستانه با دیگر کشورها، تقویت همکاری بین‌المللی و حفظ صلح و امنیت جهانی منشأ انقیاد دیگر کشورها می‌شود. مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده این متغیر در سطح داخلی شامل رفتار مهربانانه با مردم مانند همیاری ملی، تواضع در برابر مردم، دلسوزی برای آینده کشور، سخاوت و همدردی با ضعیفان و در سطح بین‌المللی شامل اقداماتی مانند حمایت از حقوق بشر، کمک‌های مالی، فنی، توسعه و امنیتی به کشورهای نیازمند، حضور در بحران‌های منطقه‌ای، شرکت در مأموریت‌های حافظ صلح، پذیرش پناهندگان، کمک به مناطق قحطی‌زده، کنش همیاری در بلایای طبیعی، بخشش بدهی‌ها، حمایت از صلح بین‌المللی، مشارکت در اتحادیه‌های جهانی و مهار مناقشات جهانی موجب تقویت موقعیت هژمونیک کشورها می‌شود. متغیر «هوشمندی» به‌معنای توانایی یادگیری، نوآوری و انعطاف‌پذیری در برابر تحولات فناوری است. متغیر «جذابیت» به‌معنای توانایی یک کشور در جذب و نگهداشت استعدادها، مهاجران، سرمایه‌گذاران و گردشگران است. کشوری که سرمایه‌گذاری زیادی در تحقیق و توسعه انجام می‌دهد، به‌عنوان کشوری پیشرو در علم و فناوری شناخته شود که می‌تواند قدرت نرم آن کشور را افزایش دهد. متغیر «جذابیت» به علایق، اندیشه‌ها و

11. Alexander Wang

نظریه‌های زیبا اشاره دارد که تولید جذابیت و اقتناع عمومی می‌کند. از این‌رو حکومت‌ها در بعد اجتماعی فضایل اخلاقی مانند رفتار نیکو، اعتماد به نفس، ایثار، شجاعت و تقویت هویت ملی را ترویج می‌کنند تا نفوذ خود را در بعد ملی تقویت کنند. همچنین تبلیغ جذابیت‌های گردشگری، صنایع خلاق فرهنگی، ظهور رهبران کاریزما و برجسته‌سازی نخبگان دارای تجربه، دغدغه و نوآوری باعث افزایش نفوذ ملی و فراملی می‌شود (Vuving, 2009, p. 17). چین به‌عنوان یکی از کشورهای برتر در این سه متغیر شناخته می‌شود؛ زیرا با داشتن پیشینه تمدنی، جمعیت، صنعت فناوری پیشرفته، سرمایه‌گذاری قابل‌توجه در فناوری و پژوهش، توانایی جذب استعدادها و احیای جاده ابریشم برای تجارت جهانی، به‌عنوان یکی از کشورهای برتر و یکی از قدرت‌های پرنفوذ و الهام‌بخش به‌خاطر ایستادگی در برابر هژمونی آمریکا در سطح جهانی نمود دارد.

۳-۲-۲. قدرت شبکه‌ای^{۱۲}

شبکه مجموعه‌ای از گره‌های بهم پیوسته است که از طریق ارسال، دریافت و پردازش داده‌ها موقعیت خود را ارتقا می‌بخشد، گره‌های غیرضروری را حذف و گره‌های جدید را جایگزین می‌کند. «قدرت شبکه‌ای» به قدرت و توانایی یک سازمان، گروه یا فرد در استفاده از شبکه‌های ارتباطی برای تحقق اهداف اشاره دارد. در یک جامعه، شبکه‌ها ساختارهای ارتباطی هستند که می‌تواند شامل افرادی که با یکدیگر در ارتباط هستند، نوع و کیفیت ارتباطات، قدرت تأثیرگذاری و توانایی تحقق اهداف از طریق شبکه باشد. قدرت شبکه‌ای به میزان دسترسی و توانایی افراد یا سازمان در انجام فعالیت‌های خود از طریق شبکه‌های ارتباطی مختلف بستگی دارد؛ مثلاً شخصی که بیشترین تعداد ارتباط با دیگران را داشته باشد، قدرت شبکه‌ای بیشتری دارد. پیش از این نظریه کاستلز در خصوص رابطه قدرت با ارتباطات اجتماعی توضیح داده شد که جامعه شبکه‌ای جهانی همه شئون انسانی از قبیل ارزش، هویت، شکاف نسلی، تقسیم کار و مانند آن به قدرت شبکه‌ها وابسته‌اند. دولت-ملت تبدیل به دولت شبکه‌ای می‌شود و قدرت به‌دست افرادی می‌افتد که ظرفیت‌های ارتباطی

12. Network Power

میان شبکه‌ها و درون شبکه‌ها را تنظیم می‌کنند. در اثر پیشرفت‌های فناوری ارتباطات و اطلاعات چهار شکل متمایز از قدرت پدید آمده است: قدرت شبکه‌بندی^{۱۳} (کنشگران و سازمان‌هایی که تصمیم می‌گیرند چه چیزی و چه کسی وارد شبکه شود)، قدرت شبکه^{۱۴} (دستورالعمل‌های ارتباطی که افراد را وادار می‌کند برای عضویت از استانداردهای آن پیروی کند)، قدرت درون شبکه‌ای^{۱۵} (برتری برخی گروه‌ها بر سایر گروه‌ها مانند تسلط مالکان شبکه)، و قدرت شبکه‌سازی^{۱۶} (توانایی راه‌اندازی یک شبکه). بیشتر شبکه‌ها توسط مالکان و اپالایش‌کنندگان (غول‌های چندرسانه‌ای)، برنامه‌ریزان و سوئیچرها (برقرارکنندگان ارتباط و همکاری مشترک بین چند شبکه) ساخته می‌شود. مالکان، اپالایش‌کنندگان و سوئیچرها مهم‌ترین دارنده قدرت شبکه‌سازی هستند؛ زیرا دیگران را وادار می‌کنند تا خود را با اهداف شبکه سازگار کنند (کاستلز، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۷). در اثر توسعه اشکال گوناگون قدرت شبکه‌ای، دولت-ملت به دولت شبکه‌ای تبدیل شده است. به عبارت دیگر، دولت از یک نظام مرکزی بازدارنده به یک نظام شبکه‌ای با ارتباطات بیشتر بین مردم و نهادهای دولتی تغییر شکل داده است. این تغییر در نوع دولتی باعث می‌شود که قدرت و کنترل بیشتری به مردم برگردد. در دولت شبکه‌ای، مردم در فرایند تصمیم‌گیری دولتی شرکت می‌کنند و از طریق فناوری‌های ارتباطی مانند شبکه‌های اجتماعی و بلاگ‌ها، می‌توانند اطلاعات و دیدگاه‌های خود را با دیگران به اشتراک بگذارند و نظرهای خود را به دولت اعلام کنند.

۳-۲-۳. قدرت هوشمند^{۱۷}

ناکارآمدی و محدودیت به‌کارگیری قدرت سخت و نرم به‌تنهایی باعث پیدایش مفهوم قدرت هوشمند شد. به ترکیب هدفمند و خردمندانه قدرت سخت و نرم «قدرت هوشمند» می‌گویند. قدرت هوشمند اصطلاحی است که هم‌زمان در سیاست و رسانه به‌کار می‌رود و به استفاده راهبردی از اطلاعات و نفوذ برای شکل دادن به افکار عمومی و دستیابی به اهداف سیاسی

13. Networking Power

14. Network Power

15. Networked Power

16. Network-Marking Power

17. Smart Power

اشاره دارد. «سوزان ناسل»، استاد دانشگاه استنفورد آمریکا در سال ۲۰۰۴ اصطلاح قدرت هوشمند را در مقاله‌ای به همین نام استفاده کرد که به مفهوم توانایی‌های شناختی که باعث می‌شود ما بتوانیم به صورت خلاقانه، بهترین تصمیم‌ها را بگیریم، گفتگو کنیم و مشکلات را حل کنیم، اشاره دارد. منظور او از توانایی هوشمندانه، به کار بردن منابع اجبار و اقناع هم‌زمان با هدف تحقق برتری علمی، نظامی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی برای سلطه یک کشور است. قدرت هوشمند یکی از مهم‌ترین مزایای استفاده از فناوری‌های ارتباطی است که باعث ارتقای امکانات ارتباطی، انتقال و تبادل اطلاعات، بهبود سطح دسترسی به دانش و اطلاعات و تسهیل در ارتباطات افراد با یکدیگر می‌شود (Nossel, 2004, p. 87). «جوزف نای» نیز قدرت هوشمند را شامل ترکیب قدرت سخت با قدرت برای متقاعد کردن دیگران به اتخاذ ارزش‌ها و اهداف دلخواه می‌داند. وی استدلال می‌کند در جهان نوین، جایی که قدرت نظامی به‌تنهایی برای دستیابی به اهداف سیاسی کافی نیست، قدرت هوشمند اهمیت زیادی پیدا می‌کند. او بر این باور است که قدرت هوشمند توانایی ترکیب قدرت سخت و نرم به روش‌هایی است که نه تنها منافع خود را پیش می‌برد بلکه به ایجاد روابط پایدار و پایدار کمک می‌کند. این قدرت مستلزم توانایی درک اهمیت شبکه‌ها، ائتلاف‌ها و نهادها و استفاده از اطلاعات و متقاعدسازی برای شکل دادن به ترجیحات دیگران است؛ بنابراین، قدرت هوشمند نه تنها شامل استفاده از زور و اجبار بلکه توانایی متقاعد کردن و تأثیرگذاری بر دیگران از طریق استفاده راهبردی از اطلاعات و تاکتیک‌های قدرت نرم است (Nye, 2005, p. 47). جوزف نای در سال ۲۰۱۰ میلادی در پارلمان انگلیس، قدرت هوشمند را در برابر قائلان به افول قدرت آمریکا به‌کار برد. او بر این باور بود که آمریکا قدرت سخت خود را از طریق رویه‌های نرم، جاری و قدرت هوشمند تولید می‌کند. برای تولید قدرت هوشمند می‌توان از روش‌های مختلفی استفاده کرد؛ مانند: تقویت فرهنگ ملی، سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش، ایجاد شرایط مناسب برای تحقیقات و فعالیت‌های علمی و فناوری، حمایت از کارآفرینی و شرکت‌های دانش‌بنیان، رشد اقتصاد درون‌زا و تقویت زیرساخت‌های حیاتی. ارکان قدرت هوشمند شامل قدرت سخت، قدرت نرم و مدیریت تلفیق قدرت‌هاست. در اعمال قدرت سخت، تغییر رفتار و تبعیت جمعیت هدف، ناشی از اعمال خشونت است. در

به‌کارگیری قدرت نرم، تغییر رفتار جمعیت هدف مبتنی بر نمایش حقیقت از طریق ایجاد جذابیت است؛ اما هنگام استفاده از قدرت هوشمند، تغییر رفتار از ترکیب خشونت و نمود حقیقت نشئت گرفته و منجر به رضایت می‌شود. قدرت هوشمند در سطح عملیاتی از طریق رفتارهای ترکیبی مانند فریب تبلیغی و ترس ترغیبی، به جای ترس، خوشبینی را به جهان صادر می‌کند که نظریه‌پردازان قدرت هوشمند آن را رفتار مناسبی برای تغییر رفتار بازیگران بین‌المللی دانسته‌اند (قهرمانپور، ۱۳۹۳، ص. ۵۲۳).

۳-۲-۴. قدرت هنرمندانه^{۱۸}

«قدرت هنرمندانه» به‌معنای هنر استفاده خردمندانه، مؤثر و کارآمد از قدرت متناسب با شرایط رقیب برای کسب برتری است. به عبارت دیگر، قدرت هنرمندانه، بهره‌برداری هنرمندانه از نقاط ضعف دشمن در پرتو درک عمیق بازی رقیب است. این مفهوم ابتدا درباره رسانه‌های دیداری و شنیداری با هدف تسخیر قلب‌ها و ادراک سازی در ذهن مخاطب و سپس در میدان سیاست به‌کار رفت. این مفهوم پس از اذعان سازمان سیا و استراتژیست‌های مطرح جهان به افول نسبی قدرت آمریکا مطرح و بر پایه شعار «پیشگیری بهتر از درمان است» بنا نهاده شد. در اوائل قرن بیست‌ویکم، آمریکایی‌ها «دکترین پیش‌دستی»^{۱۹} را برای دفع تهدیدهای بالقوه و مهار انتروپی منفی^{۲۰} سیستم تک‌قطبی در جهان به‌کار بردند؛ البته اجرای این دکترین هزینه سنگینی برای ایالات متحده داشت؛ زیرا متحدان راهبردی آمریکا در اثر سیاست‌های خصمانه و مداخله‌جویانه این کشور در جنوب غرب آسیا از آن دور شدند. از طرفی، همواره دولت‌ها مقهور سرعت سازمان‌ها و قدرت‌های کوچک هستند. با تقویت قدرت ارتباطات در ابعاد جهانی، آمریکا هم مقهور سرعت و اراده دولت‌ها و ملت‌ها شد. از این‌رو استعاره «فریاد نشانه شجاعت است؛ اما در لحظات حساس، سکوت بالاترین فریاد است» را با هدف حفظ قدرت جهانی خود به‌کار بردند. استعاره دیگر که سازنده مفهوم قدرت هنرمندانه است، «بازی جوجیتسو»^{۲۱} هنر

18. Artistic Power.

19. Precognition Doctrine.

20. Negative Entropy.

21. Jiu Jitsu.

رزمی سامورایی ژاپنی به معنای استفاده از نیروی حریف بر ضد خودش است. براین اساس، فریب، مکر، تله و دام‌گستری از اصول قدرت هنرمندانه شمرده شد. این مفهوم برای رهیافت جنگ نرم در عرصه فرهنگی نیز به‌کار می‌رود. جنگ نرم در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رهیافت‌های گوناگونی دارد. استفاده از قدرت هنرمندانه در پرتو جنگ نرم در عرصه فرهنگی، با هدف ادراک‌سازی، تغییر سبک زندگی و دگرگون کردن ساختار ارزشی جامعه هدف طراحی می‌شود. در حال حاضر کشورهای متخاصم جمهوری اسلامی ایران از طریق به‌کارگیری صنایع معناساز با هدف ناتوی فرهنگی و اندلسی کردن جامعه ایران، قدرت هنرمندانه خود را فعال کرده‌اند. منشأ نظریه قدرت هنرمندانه، «نظریه فوکویاما»^{۲۲} در جنگ نرم است که «مهندسی معکوس»^{۲۳} نام دارد. در مهندسی معکوس، فرایند حل مسئله، از پاسخ آغاز می‌شود. بر اساس این دیدگاه، برای پیروزی بر یک ملت باید میل و ذائقه آن را تغییر داد و نظام ارزشی آن‌ها را نابود کرد. در حال حاضر این فرایند درباره جمهوری اسلامی ایران از طریق فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان با هدف ترویج اباحه‌گری و تضعیف باورها و نظام ارزشی جامعه ایرانی توسط کشورهای متخاصم برای اعمال قدرت هنرمندانه اجرا می‌شود.

۳-۳. انواع جنگ

در دوران نوین جنگ‌ها نیز دچار تغییر مفهومی و تنوع شیوه‌های نبرد شده‌اند. این نوع جنگ‌ها از فناوری‌های پیشرفته برای ایجاد سلاح‌های نوین و مؤثر استفاده می‌کنند.

۳-۳-۱. جنگ رسانه‌ای^{۲۴}

«جنگ رسانه‌ای» به‌عنوان یک فرایند دوسویه در برابر تلاش هر یک از طرفین برای تحت تأثیر قرار دادن مخاطبان خود، تعریف می‌شود. این جنگ با استفاده از رسانه‌های گوناگون از جمله رادیو، تلویزیون، اینترنت، مجلات، روزنامه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و

22. Fukuyama

23. Reverse Engineering

24. Media War

مانند آن صورت می‌گیرد. اقسام جنگ رسانه‌ای عبارت‌اند از: جنگ روایت‌ها؛^{۲۵} در این نوع جنگ رسانه‌ای، هر یک از طرفین سعی دارد با توجه به منافع و نیازهای خود، یک داستان یا روایت خاصی را به مخاطبان خود منتقل کند. در این نوع جنگ، طرفین با استفاده از ابزارهای ارتباطی گوناگون سعی می‌کنند بر روی روایت خود تأکید و روایت طرف مقابل را ضعیف کنند. در آینده پیروز جنگ طرفی است که بتواند روایت مقبول‌تر و مؤثرتری را در ادراک‌سازی مخاطب ارائه کند. خرده‌روایت‌های تاریخی مانند قیام مختار و در دوران معاصر، روایت مقاومت حزب‌الله لبنان از مثال‌های این جنگ به‌شمار می‌روند. جنگ شناختی^{۲۶}: در این نوع جنگ رسانه‌ای، هر یک از طرفین سعی می‌کند با ارائه داده‌ها، اطلاعات و آمارهای گوناگون، نگرش مخاطبان را در رابطه با یک موضوع خاص تغییر دهد. جنگ شناختی در پی ایجاد تغییر در ادراک مخاطب هدف است. امروزه این جنگ در بستر فضای مجازی انجام می‌شود و برخی آن را نقطه اتصال نانوفناوری، بیوفناوری و اطلاعات می‌دانند که حتی با داشتن داده‌های درست، نتیجه نادرست گرفته می‌شود. «نظریه لیوتار^{۲۷}» فیلسوف معاصر فرانسوی در دهه ۱۹۷۰ درباره افول فراروایت‌ها و ادامه خرده‌روایت‌ها در این زمینه کارایی دارد. جنگ روان‌شناسانه^{۲۸}: در این نوع جنگ رسانه‌ای، هدف اصلی طرفین تغییر دادن نگرش‌ها، اعتقادات و شیوه‌های فکری مخاطبان است. طرفین با استفاده از روش‌های روان‌شناسانه، مانند ترساندن، تحریک احساسات، تغییر نگرش و تأثیرگذاری بر رفتار مخاطبان، به‌دنبال دستیابی به هدف خود هستند (Jahan, 2016, p. 3759). در این جنگ از «اختلال سایکوسوماتیک^{۲۹}» یعنی روان‌تنی یا اختلال بدنی تحت تأثیر ذهن الگوبرداری و انبوهی از اطلاعات ضد و نقیض با هدف القای افکار، احساسات و تلقینات منفی در سطح ملی به جامعه هدف ارسال می‌شود.

25. War of Narratives.

26. Cognitive Warfare.

27. Lyotard

28. Psychological Warfare

29. Psychosomatic Medicine

۳-۳-۲. جنگ هژمونیک^{۳۰}

«هژمون» به معنای برتری و چیرگی ایدئولوژیک هنجارها و ارزش‌های یک بازیگر یا طبقه بر سایر بازیگران یا طبقات تحت انقیاد معنا شده است. هژمونی بر ایجاد نظام ارزشی اقتدارگرایانه‌ای مبتنی بر شبکه‌ای از متحدان تمرکز دارد. این الگو بر این فرض استوار است که تأثیرات زیان‌بار رقابت را می‌توان با حذف اصل رقابت و اپالایش و مهار کرد. از این رو تضعیف بازیگرانی که دارای ارزش‌ها، باورها یا رویکردهای سیاسی و راهبردی مخالفند، در اولویت کنش‌های هژمونی قرار می‌گیرد. قدرت هژمونی در پی ایجاد نظامی هژمونیک و در صدد است که اصول اساسی هنجارها و قواعد، قوانین و رویه‌های اصلی نظم و امنیت خود را تعیین کند. هژمون از رژیم‌های خود ایجادکننده بیشترین سود را می‌برد و برای حفظ نظم هژمونیک کالاهای عمومی را در اختیار دیگر بازیگران داخل این نظام قرار می‌دهد. «جنگ هژمونیک» به معنای تلاش یک کشور برای تسلط بر سایر کشورها و مناطق است. در این جنگ، کشور هژمون، تلاش می‌کند بر سایر کشورها تسلط پیدا کند و با استفاده از توان نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به دنبال ایجاد مناطق تسلط خود می‌باشد (عبدالله خانی، ۱۳۸۹، ص. ۴۳۱). آمریکا به دنبال تقویت توان نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود است تا برترین قدرت جهان باقی بماند. از این رو با ایجاد تحریم‌ها، رقابت‌های اقتصادی و فناوری، و تشکیل بلوک‌های قدرت، به دنبال کاهش توانمندی‌های شبکه‌های تمدنی رقیب خود شامل سه کشور قدرتمند روسیه و چین و ایران است. در آینده این منازعات در سطوح نوین و هوشمندانه‌تر وارد مرحله تازه‌ای خواهد شد. در حال حاضر چالش چین با آمریکا در حوزه حقوق بشر آمریکایی، چالش روسیه با آمریکا در حوزه لیبرال‌دموکراسی و چالش ایران با آمریکا در حوزه دفاع از مستضعفان، امت‌سازی، مردم‌سالاری دینی از جمله این جنگ‌ها می‌باشد.

۳-۳-۳. جنگ پست‌مدرن^{۳۱}

«جنگ پست‌مدرن» یا جنگ جدید یک مفهوم نظامی و سیاسی است که برای توصیف نوع

30. Hegemonic War

31. Postmodern War

جنگ‌هایی استفاده می‌شود که در قرن بیست‌ویکم و پس از آن، بیشتر شدت یافته‌اند. در این نوع جنگ‌ها، جنگجویان دولتی و غیردولتی، به صورت نامتقارن با هم مبارزه می‌کنند و برخی ویژگی‌های مشترکی دارند که آن‌ها را از جنگ‌های پیشین متمایز می‌کند. برخی از ویژگی‌های جنگ پست‌مدرن شامل استفاده از فناوری پیشرفته، تمرکز بر روی هدف‌های غیرنظامی و مردمی، استفاده از تروریسم، نبرد اطلاعاتی و ارتباطاتی، استفاده از منابع غیرنظامی و دسترسی به منابع مالی برای پشتیبانی و توجه به جنگ نرم و جنگ شناختی است. اصطلاح جنگ پست‌مدرن، ابتدا توسط نظریه‌پردازان و محققان امنیتی در دهه ۱۹۹۰ معرفی شد و در طول دهه‌های بعدی، بیشتر توسط سیاستمداران و نظامیان استفاده شد. پست‌مدرن اشاره به ماهیت جنگ‌های معاصر دارد که دارای ویژگی‌هایی است که برخی از اندیشمندان غربی آن را اساساً جنگ نمی‌دانند. «ژان بودریار^{۳۲}» جامعه‌شناس فرانسوی در کتابی با عنوان «جنگ خلیج‌فارس اتفاق نیفتاد»^{۳۳}، منکر وقوع این جنگ شد؛ زیرا جنگ یعنی شلیک تیر از سوی دو طرف درگیری، درحالی‌که آمریکا در جنگ خلیج‌فارس در سایه فناوری‌گرایی نظامی از تسلیحات هوشمند هدایت‌شونده رایانه‌ای استفاده کرد و این، شلیک یک‌سویه بود! ویژگی دیگر این رویداد، انعکاس وارونه رویدادها توسط رسانه‌های آمریکایی بر اساس نمایش جنگ یا واقعیت ساختگی بود. خیل عظیم گزارش‌ها و تصاویر، واقعیت جنگ را منعکس نمی‌کردند بلکه آن را نمایش رسانه‌ای کرده بودند. از این‌رو بودریار منکر وقوع جنگ خلیج‌فارس شد و برخی از اندیشمندان و تحلیل‌گران نیز آن را پیروزی مجازی و موجب بدبینی رسانه‌ای ارزیابی کردند (هاموند، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۵).

۳-۳-۴. جنگ مجازی

«جنگ سایبری» به صورت گسترده در جهان امروز در حال رخ دادن است. در این جنگ، فناوری اطلاعاتی به عنوان ابزار مهم در دسترس قرار می‌گیرد. بسیاری از کشورها و سازمان‌ها به کاربرد فناوری اطلاعاتی در جنگ‌های مجازی روی آورده‌اند و به دنبال گسترش قدرت و تأثیرگذاری خود در فضای جهانی هستند. در این جنگ، هدف عمده

32. Jean Baudrillard

33. The Gulf War Did Not Take Place

تأثیرگذاری بر شناخت و نظر عمومی جامعه، ایجاد تأثیرات منفی بر ساختار سیستم‌های گوناگون و کسب اطلاعات از رقیب است. از آن‌جاکه فضای مجازی محیطی ناامن برای مراقبت از داده‌های ملی و فراملی است، خصوصاً هک و سرقت داده‌ها از مصادیق جنگ مجازی به‌شمار می‌رود. از این‌رو دولت‌ها مجموعه‌ای از ابزارها، سیاست‌ها و اقدامات را برای مقابله با هک، رصد شبکه و سرقت اطلاعات و نیز حفاظت از بعد مجازی و غیرمجازی شبکه‌ها و داده‌های سایبری به‌کار می‌گیرند. مراقبت دولت‌ها از خود و نهادهایشان در برابر تهدیدها، جاسوسی، خرابکاری در پوشش حمله به زیرساخت‌های حیاتی، کلاهبرداری، سرقت و سایر تعاملات الکترونیکی مخرب است؛ زیرا از جمله فعالیت‌هایی که در چهارچوب جنگ مجازی صورت می‌گیرد، ارسال ویروس‌ها و برنامه‌های مخرب، حملات به تارنماهای وابسته به دولت و سازمان‌ها، حملات به زیرساخت‌های حیاتی از جمله شبکه‌های برق، ارتباطات، حملات به سیستم‌های رایانه‌ای و مانند آن است. مطالعات نشان می‌دهد که فناوری ارتباطات و اطلاعات به‌عنوان تسلیحات و جنگ‌افزار در نظر گرفته می‌شود.

۳-۳-۵. جنگ هیبریدی

«جنگ هیبریدی» یا تهدید چندگانه، به شیوه‌هایی اشاره دارد که در آنها حملات با استفاده از ترکیب چند روش گوناگون سخت، نیمه سخت و نرم با هدف شکستن اراده و مقاومت دشمن به روش‌های نامتعارف انجام می‌شود. این جنگ از ترکیب دو یا چند روش حمله متفاوت به‌منظور ایجاد تأثیرات مخرب بر روی جمعیت هدف انجام می‌شود؛ مانند مقاومت ۳۳ روزه حزب الله لبنان در برابر جنگ هیبریدی ارتش رژیم صهیونیستی. تهدید هیبریدی ممکن است شامل ترکیب حملات فیزیکی و سایبری باشد، به‌طوری‌که در یک حمله فیزیکی اطلاعات دستگاه‌های سرور منتقل یا سایر اطلاعات مهم، شنود شده و در حمله سایبری اطلاعات حساس افشاگری شود؛ مانند افشاگری‌های اسنودن. همچنین، تهدید هیبریدی می‌تواند شامل ترکیب حملات شنودی با حملات خرابکارانه باشد، به‌طوری‌که حمله‌کننده می‌تواند اطلاعات را جاسازی و سپس به‌صورت خرابکارانه سیستم را تخریب کند؛ مانند

ارسال «ویروس استاکس‌نت»^{۳۴} به‌عنوان اولین کلاهک دیجیتال به تأسیسات هسته‌ای ایران. به اقرار مسئولان و اندیشکده‌های غربی، استاکس‌نت محصول همکاری رژیم صهیونیستی و ایالات متحده بود که در تأسیسات نظامی اسرائیل در دیمونا پیش از بارگذاری بر روی یک درایو در شبکه‌های رایانه‌ای تأسیسات هسته‌ای ایران آزمایش شده بود. ویروس استاکس‌نت برای به دست گرفتن واپالایش نرم‌افزار کنترل نظارتی و جمع‌آوری داده‌ها (SCADA) که عملکرد عملیاتی سانتریفیوژها را مدیریت می‌کند، طراحی شد، سپس به سانتریفیوژها فرمان داد که سریع‌تر از حد طراحی بچرخند. پیش از اینکه کارشناسان ایرانی استاکس‌نت را کشف کنند، این نرم‌افزار مخرب ۹۸۴ سانتریفیوژ هسته‌ای منظور غنی‌سازی اورانیوم را غیرفعال کرد. در این عملیات به جای پرتاب بمب از هواپیما یا پرتاب موشک‌های کروز برای نابودی جنبشی دارایی‌های غنی‌سازی هسته‌ای ایران، سیاست‌گذاران در ایالات متحده و اسرائیل حمله‌ای هیبریدی از طریق فضای مجازی انتخاب کردند (Broad & Markoff & Sanger, 2011, p 7). نمونه دیگر اقدامات مخرب هیبریدی، اختلال در سیستم کارت‌خوان‌های جایگاه‌های سوخت است.

۴. شیوه تحقیق

هر مسئله با توجه به طبیعت آن نشان‌دهنده روش و راه‌حل آن است. این پژوهش به روش تحقیق کیفی تهیه شده است؛ زیرا این روش با ماهیت موضوع پژوهش حاضر سنخیت و مطابقت دارد. شیوه گردآوری اطلاعات، اسنادی کتابخانه‌ای است. ابزار مورد استفاده در روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، اسناد چاپی و داده‌های منتشره در هر نوع کتاب، دایرةالمعارف، نشریه، فصلنامه، مصاحبه انتشار یافته، مقاله همایش علمی، متون نمایه شده در تارنماهای اینترنتی است.

۵. یافته‌های پژوهش

در دانش سیاست، «قدرت» به‌عنوان توانایی یک فرد، گروه یا کشور برای تحمیل اراده خود

به دیگران شناخته می‌شود. ابزارها و مولفه‌های عمومی قدرت عبارت‌اند از: نظام سیاسی، نیروی نظامی، اقتصاد، جمعیت، دانش، فرهنگ، دیپلماسی و حتی باورها و هنجارهای عمومی. نظام سیاسی شکل دهنده قوانین و مقررات حکومت‌ها است که به طور مستقیم بر قدرت افراد و گروه‌ها در هر کشور اثرگذار است. نیروی نظامی یکی از عوامل تولید قدرت در هر کشور است. هنگامی که ارتباطات سیاسی و بین‌المللی شکست می‌خورد، حکومت‌ها از توان نظامی خود به‌عنوان یکی از آخرین محرک‌های ایجاد تغییرات قدرت‌محور استفاده می‌کنند. کشوری که دارای اقتصادی شکوفاست، قدرت بیشتری دارد. جمعیت نیز به‌عنوان یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده قدرت، از طریق شرکت در انتخابات، شکل‌گیری نیروهای شهروندی و جنبش‌های اجتماعی، تأثیر مستقیمی بر سیاست‌های دولت‌ها و قدرت‌های جهانی دارد. حکومت‌ها با دسترسی به فناوری‌های پیشرفته و دانش روز، می‌توانند به رقابت بین‌المللی و توسعه اقتصادی خود رونق بخشند و در رده بالاتری از نظر قدرت قرار گیرند. کشوری که دارای فرهنگی قوی است، به راحتی می‌تواند از قدرت این فرهنگ برای تحمیل اراده خود به دیگران استفاده کند. «دیپلماسی» به‌عنوان یکی از ابزارهای عمومی قدرت، در واپالایش و تنظیم روابط بین کشورها نقش مهمی ایفا می‌کند. برخی کشورها، با تأکید بر ارزش‌ها و باورهای خود، توانسته‌اند در رقابت بین‌المللی جایگاه مطلوبی را به دست آورند. اگر ارزش‌ها و باورها بین کشورها و جوامع مشترک باشند، احتمال بروز تعارض‌ها و نزاع‌ها کاهش می‌یابد و روابط دوجانبه بهتر و مؤثرتر خواهد بود.

۵-۱. دگرگونی در مفهوم سیاست

در جهان امروز، قدرت دارای انواع و اقسام پیچیده و نوینی شده است؛ مفاهیمی مانند قدرت سخت و نرم، شبکه‌ای، اجتماعی، هوشمند و هنرمندانه. تغییرات فناوری ارتباطات و اطلاعات خصوصاً داده‌ها، هوش مصنوعی، اینترنت اشیا و واقعیت مجازی نیز عوامل نوینی را در معادلات قدرت جهانی رقم زده است. حجم انبوه داده‌های فضای مجازی باعث ایجاد محتوای اصیل و باکیفیت در این فضا می‌شود و به‌مثابه یکی از قدرت‌های نوظهور به‌شمار می‌رود. مردم با استفاده از فضای مجازی می‌توانند به راحتی دیدگاه‌ها و علایق

خود را در مورد موضوعات مختلف ابراز کنند. این ابراز دیدگاه و سلیقه یکی از مؤثرترین ابزارهای جمعیت‌شناسی و اعمال سیاست نوین از طریق فضای مجازی است. روابط سیاست در فضای مجازی در صدد ساخت معانی از طریق تصویرسازی برآمده است. در رویکرد روان شناختی، احساس و عقل در شکل‌گیری معنا دخالت دارند. با توجه به پژوهش‌های عصب‌شناسی، قدرت‌سازی در شرایط نوین، از طریق دستکاری تصاویر ذهنی و تغییر چهارچوب ادراکی مخاطب، منجر به ساخت معنا و شناخت مفاهیم سیاسی به نفع صاحبان قدرت شبکه می‌شود. مثال بارز استفاده از روابط قدرت شبکه‌ای در ساخت معانی، سیاست رسانه‌ای کارزار انتخاباتی بوش^{۳۵} در ادراک‌سازی از جنگ عراق است که از طریق حس ترس از مرگ، رأی‌دهندگان آمریکایی به ریاست جمهوری بوش متمایل شدند. مثال دیگر مبارزه انتخاباتی اواما^{۳۶} است که با تکیه بر جنبه‌های زیست محیطی و جهانی شدن، شبکه‌های ارتباطی خودانگیز کارزار انتخاباتی اواما بر رسانه‌های جریان اصلی رقیب پیروز شدند. پیچیدگی و تنوع اشکال قدرت در عصر فضای مجازی علاوه بر این، موجب بی‌ثبات‌سازی جهان نیز شده است؛ زیرا تحولات فناوری به‌گونه‌ای توسط آمریکا رقم خورده است که این کشور را به یک قدرت جهانی و تنها حکمران فضای مجازی جهانی تبدیل کرده است. به همین خاطر ایالات متحده کنشگری‌های یک‌سویه‌ای در اداره و حکمرانی سایبری داشته و تنها منافع خود و محافظت از سبک زندگی آمریکایی شهروندان خود را رجان داده است. ایالات متحده در پرتو قدرت شبکه، افق نوینی را دنبال می‌کند که در آن نسخه تمدنی غرب نوعی نظم هژمونیک در فضای مجازی جهانی ایجاد می‌کند تا ارزش‌های غربی و سبک زندگی آمریکایی به‌عنوان آرمان سایر ملت‌ها دنبال شود؛ مثلاً از طریق ظرفیت‌های فضای مجازی توانسته بیداری اسلامی (بهار عربی) کشورهای عربی را به انحراف کشانده و نیز قدرت چین در فضای مجازی را به‌سوی کاهش تهدید علیه منافع تمدنی آمریکا مدیریت کند (Shen, 2016, p. 82). چرخش تحولات قدرت و سیاست بر محور فناوری فضای مجازی باعث شده حکومت‌ها بر اساس توزیع قدرت و نفوذ به سه دسته تقسیم شوند: توسعه‌یافته مانند آمریکا، نوپیدا مانند چین و درحال توسعه

35. Bush

36. Obama

مانند جمهوری اسلامی ایران. فضای مجازی جهانی به دلیل ویژگی عدم تقارن قدرت، به سرعت در حال تبدیل شدن به عرصه جدیدی برای بازی‌های قدرت و سیاست‌ورزی بین ایالات متحده و چین است؛ بنابراین شکل جدیدی از ژئوپلیتیک سایبری و قدرت جهانی در حال ظهور است. کشورهای در حال توسعه به دلیل ویژگی عدم تقارن در فضای مجازی جهانی، به جای دستیابی به پیشرفت، به حاشیه رانده می‌شوند و چنین حاشیه‌سازی جایگاه این کشورها را در بیشتر تضعیف می‌کند. در مقابل، کشورهای توسعه‌یافته در فضای واقعی، به ویژه کشورهایی که از مزیت‌های قابل توجه در صنایع و فناوری‌ها برخوردارند، در هسته فضای مجازی قرار دارند و در نتیجه برتری‌های آنها در فناوری، تحقیق و توسعه و نوآوری، شکاف بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بیشتر می‌شود (Shen, 2016, p. 84). همچنین ایالات متحده از هژمونی اطلاعاتی خود در فضای مجازی برای تغییر نظام‌های سیاسی در کشورهای مخالف خود استفاده می‌کند.

۵-۲. دگرگونی در مفهوم امنیت و ژئوپلیتیک

انواع چالش‌هایی که دولت‌ها را در فضای مجازی تهدید می‌کند عبارت‌اند از: سرقت اطلاعات، جاسوس‌افزارها، رصد شبکه، حمله به زیرساخت‌ها، بد افزارها. سازمان‌های فراملی در فضای مجازی فعالیت قابل توجهی دارند که باعث پیدایش چالش بر علیه حکومت‌ها می‌شود. دولت‌های ملی سیاست‌های اتخاذ شده توسط شرکت‌های فراملی مانند گوگل، فیسبوک و توییتر را به عنوان تهدیدی برای حاکمیت دیجیتال و در نتیجه امنیت ملی خود می‌دانند (Liaropoulos, 2017, p. 28). پیشرفت‌های فناوری ارتباطات و اطلاعات خصوصاً توسعه فضای مجازی باعث تحول در مفهوم مرز و مرزدایی شده، به گونه‌ای که «تعریف مرز در فضای مجازی» به عنوان یکی از مشکلات مراکز علمی و رسمی شناخته می‌شود. یکی از کاربردی‌ترین تعاریف درباره مرز در فضای مجازی، استفاده از مکان‌های جغرافیایی زیرساخت‌های مجازی برای تعیین مرزهای شبکه است تا مسئولیت تنظیم رفتارها در فضای مجازی بر عهده دولتی باشد که آن فعالیت‌ها در داخل مرزهای سرزمینی متعارف آن صورت می‌گیرد. حملات هیبریدی از مبدأ کشورهای توسعه‌یافته بر علیه

اهدافی در کشورهای کمتر توسعه یافته باعث شده این کشورها را برانگیزد تا فناوری‌های دفاع شبکه و حفاظت از امکانات فیزیکی را در اولویت قرار دهند. از سوی دیگر دو نوع مرز شبکه وجود دارد: ملموس و ناملموس؛ مرزهای شبکه ملموس شامل زیرساخت شبکه ملی و سیستم‌های شبکه اصلی مانند امور مالی، مخابرات، حمل و نقل و انرژی است. سه لایه مرز شبکه وجود دارد. بیرونی‌ترین لایه «مرز انعطاف پذیر» است که شامل ظرفیت اینترنت ملی یک کشور می‌شود. لایه میانی به مرز جغرافیایی شامل زیرساخت‌های سایبری و میدان افکار عمومی داخلی اشاره دارد که از شبکه ملموس فراتر می‌رود؛ زیرا حوزه افکار عمومی را دربرمی‌گیرد.

۵-۳. دگرگونی در شیوه حکمرانی

اعمال حاکمیت به معنای داشتن قدرت برای اعمال اراده در قلمرو جغرافیایی معین یک نظام سیاسی است. حکومت‌ها از قدرت اعمال خواست خود توسط بازیگران و نهادهای سیاسی و رسمی از طریق فرایندهای تصمیم‌سازی در قلمرو جغرافیایی خود برخوردار هستند و برای حکمرانی، از شیوه‌های گوناگونی استفاده می‌کنند. امروزه دولت‌ها دو قلمرو حکومتی دارند: فضای جغرافیایی واقعی و فضای جغرافیایی مجازی که هر دو به هم مرتبط هستند. از این رو حکومت‌ها فضای مجازی را نیز قلمرو اعمال حاکمیت خود در سطح ملی می‌دانند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۱۵۷). توسعه فناوری‌های ارتباطی در عصر نوین الزاماتی را در شیوه حکمرانی کشورها به همراه داشت. بازیگران قدرت تغییر یافتند؛ بازیگران غیردولتی مانند شرکت‌های چندملیتی و بخش خصوصی وارد معادلات قدرت کشورها و یکی از طرف‌های تعیین‌کننده قدرت در جهان شدند، و حکمرانی دولت‌ها را بر فضای مجازی کشورها با تهدید روبه‌رو کردند. حکومت‌ها پیش از ظهور فضای مجازی از طریق فرایندهای رسمی، نهادی و سازوکارهای نرم، اراده خود را بر ساختارها، بازیگران و شهروندان در راستای تحقق اهداف و منافع عمومی اعمال می‌کردند. این تلقی از حکمرانی مربوط به واحدهای سیاسی در جغرافیای درون مرزهای ملی کشورها بود. در شرایط نوین سازمان‌های فراملی در فضای مجازی فعالیت قابل توجهی آغاز کردند که باعث پیدایش چالش‌هایی بر

علیه حکومت‌ها شد. دولت‌های ملی سیاست‌های اتخاذ شده توسط شرکت‌های فراملی مانند گوگل، فیسبوک و توییتر را به‌عنوان تهدیدی برای حاکمیت دیجیتال و در نتیجه امنیت ملی خود تلقی کردند (Liaropoulos, 2017, p. 28). زیرساخت‌های قدرت شبکه‌ای در شرایط نوین خصوصاً در سطح کلان جهانی متعلق به بخش خصوصی هستند و در قلمروی مستقل از دولت‌ها قرار دارند. فضای مجازی حتی مفهوم حاکمیت حکومت‌ها را نیز مورد تغییر قرار داده است. حقوق بین‌الملل «حکومت» را در قالب سرزمینی تعریف کرده است که شامل جمعیتی است که توسط یک نهاد دولتی کارآمد نمایندگی می‌شود. این مبنای سرزمینی برای حکومت سیاسی با پیدایش فضای مجازی، فناوری ارتباطات و اطلاعات، واقعیت مجازی، افزایش سفر، مهاجرت و مبادلات اقتصادی مجازی زیر سؤال رفته است. از طرفی، همواره قدرت‌هایی خارج از اراده حکومت‌ها وجود دارند که با فرامین و سیاست‌ها مخالف هستند و به مبارزه و مخالفت با آنها برمی‌خیزند. حکومت‌ها نیز به مقابله و مجازات نیروهای مخالف اقدام می‌کنند تا آنان را به تمکین وادار کنند. فضای مجازی نیز عرصه به چالش کشیدن حاکمیت‌هاست و نیروهای مخالف، انواع جرائم، قاچاق، معارضه و تهدیدها را درباره قدرت مرکزی به‌عمل می‌آورند. قاچاق مجازی از طریق انتقال پول، کالا، انسان و اندیشه بر خلاق قوانین سرزمینی انجام می‌شود. بیشتر جرائم مجازی نیازمند برنامه‌ریزی قبلی و برخی از آنها در خارج از مرزهای سرزمینی است و عاملان آن اغلب افراد دارای مهارت هستند. حکومت‌ها در مقابله با این جرائم، مبادرت به شناسایی، تنبیه مجرمان، خصوصاً در خارج از مرزها و حفاظت از حریم و حقوق شهروندان می‌کنند. دولت‌ها اکنون حداقل برخی از جنبه‌های قضایی را در مورد تعداد قابل‌توجهی از جرائم خارج از کشور اعمال می‌کنند. با وجود اینکه دولت‌ها به‌طور فزاینده‌ای فضای مجازی ملی خود را کنترل می‌کنند و حتی با وجود اینکه اصل قلمروی مقرر می‌دارد که یک دولت بر سرورها و گره‌های داخل مرزهای شناخته‌شده خود صلاحیت قضایی دارد، در فضای بین‌المللی جرائم زیادی رخ می‌دهد که توسط شبکه‌های خصوصی اداره می‌شوند، و توسط هیچ دولتی کنترل نمی‌شوند، بسیاری از دارایی‌های ملی مجازی در سرورهای خارج از کشور ذخیره می‌شوند (Karim, 2019, p.2636). انواع تهدیدهایی که حاکمیت مرکزی کشورها

را در فضای مجازی تهدید می‌کند عبارت است از: سرقت اطلاعات، جاسوس‌افزارها، رصد شبکه، حمله به زیرساخت‌ها، بدافزارها. فرایند حکمرانی فضای مجازی بخشی از یک کلان‌روند برای اعمال روابط اقتدار حاکمیت سایبری از طریق هماهنگی بخش عمومی و خصوصی است. دولت از طریق همکاری با اشخاص ثالث و محرک‌های نرم، واسطه‌ها و بخش خصوصی را به خدمت گرفته و در راستای تأمین منافع و مصالح ملی بسیج می‌کند. این الگو از حاکمیت سایبری در دولت‌های موفق دیگر نیز دیده می‌شود؛ به‌عنوان نمونه راهبرد حکمرانی سایبری ژاپن مبنی بر همکاری بین دولت و بخش خصوصی از طریق برنامه‌های مشارکت عمومی-خصوصی مانند مرکز تجزیه و تحلیل اطلاعات (ISAC) طراحی شده است.

۴-۵. دگرگونی در هژمونی جهانی

پس از جنگ سرد، رقابت بلوک غرب و شرق برای راهبری فضای مجازی از طریق توسعه هنجارها و حکمرانی جهانی فضای مجازی نشان‌دهنده ادامه سیاست خارجی قدرت‌های جهانی در حوزه سایبری است. هر کدام از بلوک‌های غرب و شرق مجموعه‌ای از ترجیحات هنجاری را دنبال می‌کنند که ذاتاً با دیگری در تضاد است. این رقابت منجر به مسابقه نوینی برای تسلط بر هنجارهای فضای مجازی شده است. سیاستگذاران ایالات متحده راهبرد ثبات هژمونی و رهبری جهانی آمریکا در پیش گرفتند و از فضای مجازی به‌عنوان بستری برای گسترش قدرت و آرمان‌های سیاسی آمریکایی سوءاستفاده می‌کنند. ثبات هژمونیک دقیقاً به این دلیل نظریه‌پردازی شد که سیاستگذاران ایالات متحده همچنان به این فکر می‌کنند که رهبری آمریکا برای امنیت جهانی ضروری است. سیاستمداران آمریکایی به‌خاطر خوی استکباری خود تاکتیک‌هایی را به‌کار می‌گیرند که از اعمال فشار گرفته تا تأمین انگیزه‌های مادی، و ترویج گفتمانی ارزش‌های هژمون آمریکایی را دربرمی‌گیرد. آنان از قدرت نرم استفاده می‌کنند تا دولت‌های دیگر را به مشارکت در فرایندی هدایت کنند که طی آن دولت‌ها درباره اهداف سیاست مشترک خود با آمریکا مذاکره و دوباره مذاکره می‌کنند و باج می‌دهند. سیاستگذاران ایالات متحده از طریق ارزش‌های لیبرال‌دموکراسی

نظم نوین جهانی را دنبال می‌کنند که شامل محدودیت‌هایی بر حاکمیت‌های ملی است که از طریق نهادها و رژیم‌های بین‌المللی به کشورهای دیگر تحمیل می‌شود. (Kiggins, 2014, p. 172). بر اساس «نظریه ثبات هژمونیک»، ابرقدرت فائق بین‌المللی برای کشورهای مقابل هژمون در فضای مجازی، ساختارهای تقابل منطقه‌ای را در نظر می‌گیرد؛ بر این اساس در عرصه فضای مجازی یک ابرقدرت، در کنار چندین قدرت بزرگ و منطقه‌ای شکل گرفته است. ابرقدرت تسلط بر تمام سیستم فضای مجازی دارد و آن را مدیریت می‌کند. قدرت‌های بزرگ اختیارات فرامنطقه‌ای و فرو ابرقدرتی دارند. آمریکا به‌عنوان ابرقدرت در تمام جهان دارای منافع است و هیچ بحران فراگیری را در هیچ منطقه‌ای نمی‌گذارد تمام شود مگر با حضور ابرقدرت. قدرت‌های بزرگ گرچه از منطقه خود خارج شده‌اند ولی در تمام جهان برای خود منافع تعریف نکرده‌اند؛ مانند روسیه، چین و اتحادیه اروپا. تحولات فضای مجازی باعث شده قدرت در دست بازیگرانی قرار گیرد که امکان تولید، واپایش و توسعه مؤثرتر اطلاعات در این فضا را داشته باشند. قدرت نرم حاصل از این فضا نقش مهمی در همراه‌سازی دیگران برای تحقق منافع ملی کشورها دارد (مولانا، ۱۳۸۷، ص. ۷۵).

۵-۵. دگرگونی در شیوه‌های نبرد در عصر جدید

با ورود فضای مجازی به زندگی مردم جهان، شیوه‌های نزاع و نبرد نیز متناسب با ظرفیت‌های این فضا تغییر کرد. در عصر نوین نبردها و منازعات بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی از شیوه‌های سنتی به شیوه‌های نوین و پیشرفته تغییر پیدا کرد و مفهوم نبرد هیبریدی پدید آمد. از قرن ۱۵م دوران استعمار سنتی آغاز شد. در این روزه، سلطه بر کشورهای ضعیف از طریق حضور مستقیم در سرزمین‌های اکتشافی و فتح شده یا در پرتو قدرت جنگ و زور توسط کشورهای استعمارگر (پرتغال، فرانسه، اسپانیا، هلند و در رأس آنها، بریتانیا) انجام می‌شد. در اثر افزایش آگاهی مردم، پس از جنگ جهانی دوم دوران استعمار نو با هدف تغییر در اندیشه، فرهنگ، هنرها و ارزش‌های اجتماعی کشورهای تحت سلطه آغاز شد. گرچه در دوران پس از جنگ جهانی دوم سرزمین‌ها تحت اشغال کشورهای استعمارگر پیشین نبود؛ اما فرهنگ، سبک زندگی، باورها و ارزش‌های

مردمان این سرزمین‌ها همچنان تحت سلطه و استعمار کشورهای قدرتمند به پیشگامی آمریکا بود. با پیدایش قابلیت‌های چشم‌گیر فضای مجازی، «استعمار مجازی» مفهومی بود که پا به عرصه معادلات قدرت جهانی گذاشت. ایالات متحده آمریکا با استفاده از سازوکارهای نرم قدرت برای از بین بردن استقلال رأی کاربران، عضویت آنها در جامعه فرهنگی آمریکایی و ادراک‌سازی آنان در راستای منافع خود اقدام کردند. این کار از طریق از طریق سکوه‌های برتر جهانی (مانند فیسبوک، توئیتر، اینستاگرام، تلگرام، گوگل، یاهو، ویکی‌پدیا و یوتیوب و ...) انجام می‌شود. کاربران کشورهای جهان، تحت سیطره فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی قدرت‌های جهانی خصوصاً ایالات متحده قرار می‌گیرند (عاملی، ۱۳۸۹، ص. ۲۲). اتاق‌های فکر قدرت‌های جهانی مانند آمریکا مردم کشورهای مخالف و مقاوم در برابر هژمون آمریکا را هدف آماج جنگ روانی قرار می‌دهند؛ مردم این کشورها از طریق شبه‌افکنی، گسست اجتماعی، تردید و تشدید نفرت، به نافرمانی و تقابل ایدئولوژیک با نظام‌های خود فراخوانده و هدایت می‌شوند تا از طریق هرج‌ومرج اجتماعی، اقتدار سیاسی کشورهای مخالف هژمون خصوصاً محور مقاومت شکسته شود. خصوصاً در سالیان اخیر، جنگ روانی ایجاد شده در فضای مجازی بر علیه جمهوری اسلامی ایران از طریق تبلیغ لذت‌گرایی و سبک زندگی غربی با هدف اعتبارزدایی از مفاهیم اسلامی و انقلابی، زیر سؤال بردن ارزش‌های دفاع مقدس و سست کردن مفاهیم والا مانند خدمت، پیشرفت و مقاومت دنبال می‌شود.

۵-۶. دیدگاه اسلام درباره مفاهیم نوین قدرت

دیدگاه اسلام درباره قدرت و تحولات نوین آن، ریشه در اندیشه سیاسی اسلام و نظرهای فقهی دارد. در اندیشه سیاسی اسلام، قدرت از آن خداست؛ «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً»^{۳۷} امام راحل در شرح عبارت دعای سحر «بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلَّتْ بِهَا عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ» معتقدند «قدرت» احاطه تام و شمول کلی خدای متعال بر همه موجودات است که با تجلی قدرت خود همه

چیز را بسط و توسعه می‌دهد (خمینی، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۳). علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه «مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا»^{۳۸} بر این باور است که گرفتن به ناصیه (پیشانی) کنایه از کمال تسلط و نهایت قدرت الهی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص. ۴۴۹). مفهوم دیگری که در قرآن برای قدرت الهی آمده، مفهوم «عزت» است. عزت به معنای شکست‌ناپذیری است. عزت و قدرت در کنار هم از صفات الهی شمرده شده است: «إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»^{۳۹}، قدرت‌های مادی و استکباری از این آموزه غفلت دارند. در گذشته، قدرت‌های استکباری مانند فرعون خود را قدرت مطلق و شکست‌ناپذیر می‌دانستند و می‌گفتند: «وَوَدَّ فِرْعَوْنُ نَادِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ»^{۴۰}؛ و امروز نیز ابرقدرت‌ها و استکبار جهانی بر اساس نظریاتی مانند نظم نوین جهانی و هژمونی، خود را شکست‌ناپذیر می‌دانند. امام خمینی با تکیه بر آموزه‌های اساسی اسلام بر این باور بودند که «هیچ قدرتی مثل قدرت خدا نیست. خوف از قدرت‌ها کسانی باید داشته باشند که اعتقاد به خدای تبارک و تعالی ندارند. مسلمین، مؤمنینی که اعتقاد دارند به مبدأ قدرت، این‌ها از قدرت‌ها نباید بترسند» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص. ۳۶). بر اساس همین باور حقیقی، ایشان معتقد بودند آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص. ۵۱۶). از منظر اندیشه سیاسی اسلام، قدرت نباید به استعلا و استکبار منجر شود. قدرت استکباری مذموم ولی قدرت در مسیر بندگی خدا و خدمت به بندگان و تحقق اهداف اسلام مطلوب است. به همین خاطر حضرت سلیمان نبی از خدا می‌خواهد: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي»^{۴۱}. در اندیشه سیاسی اسلام، قدرت در مسیر مورد خواست خدا، یک ارزش و کسب آن یک تکلیف است. پیامبر خدا (ص) ضعف را نکوهش کرده و فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لِيُبْغِضَ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۹، ص. ۴۹۴).

۳۸. هود، آیه ۵۶.

۳۹. حج، آیه ۴۰.

۴۰. زخرف، آیه ۵۱.

۴۱. ص، آیه ۳۵.

در فقه، قدرت در دو حوزه مورد بحث قرار گرفته است؛ حوزه داخلی و بیرونی. در حوزه داخلی بحث از دستیابی به قدرت، توزیع و استفاده از آن است. از منظر فقه، قدرت شرط هر تکلیف است و بر عاجز، تکلیفی نیست: «لَيْسَ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ»^{۴۲}. کسب قدرت در مواردی واجب است؛ مثلاً در مقدمه مفوته واجب، کسب قدرت وجوب نفسی دارد. مقدمه مفوته مقدمه‌ای است که ترک آن موجب تقویت واجب در زمان ادای آن می‌شود (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۷۷). صاحب جواهر کسب قدرت را برای تحقق اهداف نظام اسلامی از مقدمات مفوته وجوب ولایت در نظام و سیاست اسلامی می‌داند و می‌نویسد: «المسألة الرابعة الولاية للقضاء أو النظام والسياسة ... من قبل السلطان العادل أو نائبه جائزة قطعاً بل راجحة ... و ربما وجبت علينا كما إذا عينه إمام الأصل الذي قرن الله طاعته بطاعته أو لم يمكن دفع المنكر أو الأمر بالمعروف إلا بها مع فرض الانحصار في شخص مخصوص فإنه يجب عليه حينئذ قبولها بل تطلبها والسعي في مقدمات تحصيلها» (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۱۵۵).

آنچه بیشتر به موضوع مقاله مرتبط است، رویکرد بیرونی قدرت است؛ در این رویکرد، با سه عرصه روبه‌رو هستیم؛ استفاده از قدرت در برابر دشمنان، دستیابی به اهداف نظام از طریق مفاهیم نوپیدای قدرت و ارتقای بازدارندگی نظام در عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی. در عرصه اول (استفاده از قدرت در برابر دشمنان) ادله وجوب جهاد جاری است. در آیه ۶۰ سوره انفال (آیه اعداد) فراهم کردن اسباب قدرت برای مقابله با دشمنان واجب است. این مطلب مورد تصریح احادیث اهل بیت نیز می‌باشد. اجماع و عقل نیز به آن اذعان دارند. به دلیل عقلی، تبدیل ضعف به قدرت، برای دفع تهدید دشمن مقدمه مفوته است. در عرصه دوم (دستیابی به اهداف نظام از طریق مفاهیم نوپیدای قدرت) مهم‌ترین غایات و مقاصد تشکیل نظام اسلامی از طریق کسب اقتدار خصوصاً اقتدار نرم محقق می‌شود. انقلاب اسلامی ایران از آغاز نهضت به دنبال تحقق آرمان‌هایی مانند استقلال، نفی سلطه بیگانه، عدالت، رفع فقر و مانند آن بوده است؛ اما این آرمان‌ها، اهداف عالی و متوسط نظام

را تشکیل می‌دهد. مهم‌ترین هدف انقلاب اسلامی از منظر امامین انقلاب، زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان (عج) و تشکیل تمدن نوین اسلامی است. در اندیشه امام خمینی، انقلاب اسلامی ایران نقطه آغاز انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت مهدی است (خمینی، ۱۳۸۹، ص. ۳۲۷). بر اساس دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، غایت و مقصد نهایی انقلاب اسلامی ایران از آغاز نهضت اسلامی، زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان عجل‌الله فرجه از طریق ساخت تمدن نوین اسلامی است. «آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه کرد. تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). از این رو مهم‌ترین غایت انقلاب اسلامی ایران، زمینه‌سازی ظهور منجی بشر و ایجاد بخشی از تمدن اسلامی است که پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) امکان تحقق دارد. این فرایند، از طریق افزایش اقتدار نظام، تلاش مضاعف در کسب مفاهیم نوین قدرت و جهاد تمدن‌سازی امکان تحقق دارد. در عرصه سوم (ارتقای بازدارندگی نظام در عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی) بازدارندگی در عرصه‌های ملی و فراملی ابتدا از طریق دفع تهدیدهای موجود محقق می‌شود. تهدید به معنای ترساندن و وعده عقوبت دادن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص. ۴۳۳). یکی از اقدامات پرتکرار شیطان، تلاش برای ضعیف نشان دادن جامعه مؤمنان و تهدید آنان است: «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ»^{۴۲}. در حقوق جزا، تهدید یکی از عوامل اخلال در نظم و امنیت عمومی است. امنیت عمومی تنها با ایجاد ترس عمومی و قرار گرفتن ترس به جای امنیت، مختل می‌شود. ترس عمومی از طریق استفاده از اسلحه و تهدید، پدید می‌آید. به همین خاطر تهدید به کشتن از مصادیق محاربه و افساد فی الارض شمرده شده است (هاشمی شامروبی، ۱۳۷۸، ص. ۲۲۳). قرآن کریم یکی از آرمان‌های حکومت اسلامی را تحقق جامعه امن و بدون

تهدید توصیف کرده است: «أَوْ لَمْ نُمْكِنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يَجْبِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِّن لَّدُنَّا»^{۴۴}. تهدید قلمرو گسترده‌ای دارد و شامل عرصه‌های داخلی و خارجی می‌شود. تبدیل تهدید به امنیت نیز از آرمان‌های قیام جهانی موعود منجی بشر است: «وَلِيُبدِّلَهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»^{۴۵}. در این آیه شریفه، مراد از ترس آن تهدیدی است که مؤمنان صدر اسلام از کافران و منافقان داشتند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱۲)؛ بنابراین یکی از اصول حکمرانی اسلامی، تهدیدزدایی در برابر حملات سخت و نرم دشمن است. تهدیدزدایی در سیاست خارجی به این معناست که دشمن احساس کند که نظام اسلامی قوی است و نمی‌تواند جمهوری اسلامی ایران را تهدید کند. تهدیدزدایی از طریق بازدارندگی پدید می‌آید. اگر یک کشور بتواند به دشمنان خود نشان دهد که هزینه‌های حمله برای آن‌ها بالاتر از منافع خواهد بود، احتمال وقوع جنگ یا تنش کاهش می‌یابد. بازدارندگی از ابعاد پیش‌کنشانه نیز برخوردار است. بازدارندگی پیش‌کنشانه به این معنی است که دشمن پیش از اقدام، با حمله پیش‌دستانه روبه‌رو و اقدام وی خنثی شود. کشورها در برابر حملات اهداف متخاصم به دفاع از خود می‌پردازند؛ اما آیا در برابر حملات بالقوه یا قریب‌الوقوع، حق دفاع پیش‌دستانه یا بازدارنده وجود دارد؟ برخی با استناد به حقوق بین‌الملل خصوصاً ماده ۵۱ منشور ملل متحد قائل به حق دفاع بازدارنده در آستانه حملات دشمن هستند. بر این اساس می‌توان به دو نوع «بازدارندگی پس‌کنشانه» و «بازدارندگی پیش‌کنشانه» اشاره کرد. بازدارندگی «پس‌کنشانه»^{۴۶} به اقدام تلافی‌جویانه پس از حمله دشمن در برابر عملکرد مخرب وی به همان شیوه‌ای که رفتار کرده گفته می‌شود تا از تکرار آن حمله یا حملات مشابه در آینده جلوگیری شود؛ اما «بازدارندگی پیش‌کنشانه»^{۴۷} به اقداماتی اشاره دارد که یک کشور پیش از وقوع حمله دشمن انجام می‌دهد تا از آن جلوگیری کند. در این حالت، کشور مورد نظر تلاش می‌کند تا با نشان دادن و استفاده از

۴۴. قصص، آیه ۵۷.

۴۵. نور، آیه ۵۵.

قدرت نظامی، ایجاد ائتلاف‌ها یا استفاده از دیپلماسی، دشمن را متقاعد کند که حمله به او عواقب سنگینی خواهد داشت. هدف اصلی این نوع بازدارندگی این است که دشمن به این نتیجه برسد که حمله به کشور مورد نظر نه تنها غیرمؤثر خواهد بود بلکه ممکن است به نابودی یا آسیب‌های جدی خودش منجر شود. ورود مفهوم بازدارندگی به حوزه سایبری باعث شد که قدرت‌های جهانی اتخاذ بازدارندگی سایبری را به عنوان بخشی از امنیت ملی و حوزه دفاع ملی خود تلقی کنند؛ مثلاً ایالات متحده اعلام می‌کند که «حق دفاع از خود در فضای سایبری» را از طریق اقدام تلافی‌جویانه مورد استفاده قرار می‌دهد. این راهبرد به این معنی است که ایالات متحده حق دارد زمانی که خود را در معرض تهدید می‌بیند به منبع تهدید حمله کند. طبق الگوی بازدارندگی عاملان حملات باید باور داشته باشند که مجازات دقیقاً همان‌گونه که مدافع بیان کرده است اجرا می‌شود. منطق بازدارندگی این است که دشمن بالقوه هنگامی از حمله منصرف می‌شود که «مجازات و تهدیدهای اعلام شده بیش از دستاوردهای حمله باشد». قابلیت اجرای مجازات یک مهاجم بالقوه از سه عنصر شناسایی عامل تهدید، انتخاب واکنش مناسب و اجرای واکنش تشکیل شده است. متأسفانه سیاستگذاران آمریکا با تحمیل یک آستانه خودسرانه، مجازات تحمیلی ایالات متحده را در حملات سایبری تا سقف حمله نظامی تنزل داده و بازدارندگی سایبری را از طریق اقدامات سخت موسع کرده‌اند (Kiggins, 2014, P. 167). قدرت‌های جهانی هنگامی که متوجه شدند تحولات نوین فناوری سایبری، دشمنان را قادر به انجام حملات سایبری از راه دور کرده است، مشغول ظرفیت‌سازی در حوزه قدرت سایبری خود شدند. اقدامات بازدارنده برای مبارزه با دشمنان در صورت حملات سایبری در سه گروه دسته‌بندی می‌شوند: ایجاد واحدهای سایبری نظامی محور، ایجاد واحدهای واکنش سایبری غیرنظامی و توانمندسازی سرویس‌های اطلاعاتی برای انجام عملیات دفاعی و تهاجمی. آنان اختیارات ویژه‌ای را به واحدهای سایبری نظامی برای استفاده از راهبردهای دفاع سایبری (مانند فریب) در صورت حملات سایبری یا انجام عملیات‌های پیشگیرانه علیه اهداف متخاصم یا متجاوزان سایبری می‌دهند. این واحدهای سایبری تحت کنترل شدید سلسله‌مراتبی قرار دارند. یکی

از برجسته‌ترین نمونه‌ها، فرماندهی سایبری ایالات متحده^{۴۸} است که به‌عنوان سازمان نظامی جدید واکنش سریع توسط وزارت دفاع آمریکا راه‌اندازی شده است. دولت‌های توسعه‌یافته برای انجام عملیات نظامی در فضای سایبری آماده می‌شوند. همچنین قدرت‌های سایبری جهانی اختیاراتی را به سرویس‌های اطلاعاتی برای جمع‌آوری داده‌ها و اجازه ارزیابی ریسک با توجه به فعالیت‌های دشمنان واگذار می‌کنند. در برخی موارد، سرویس‌های اطلاعاتی حتی دارای واحدهای سایبری مجزا برای انجام عملیات علیه اهداف خاص هستند. کنشگری‌های آنها در درجه اول با هدف برخورد با بازیگران مشخص (مانند تروریست‌ها) در صورت تهدیدهای امنیتی است؛ به‌عنوان مثال، برنامه پرسم ایالات متحده، برنامه تمپورا بریتانیا، یا برنامه فناوری ابتکار راهبردی آلمان زیر نظر مقامات ارشد دولتی، داده‌های راهبردی را در خصوص فعالیت‌های سایبری دشمنان و حمله‌کنندگان جمع‌آوری می‌کنند. خط‌مشی‌ها در خصوص افزایش اقتدار بازدارنده سایبری با هدف ایجاد ظرفیت‌ها برای دفاع در برابر حملات سایبری کشورهای متخاصم و گروه‌های تروریستی تدوین می‌شوند (Weiss & Jankauskas, 2019, P. 10). سوگمندان، سیاستگذاران ایالات متحده به آستانه خودسرانه‌ای متعهد شده‌اند که در صورت عبور کشورهای متخاصم در فضای سایبری، پاسخ ایالات متحده ممکن است شامل حمله نظامی با استفاده از موشک، بمب، یا تهاجم زمینی باشد. این آستانه تأثیری بر محدود کردن اعتبار تهدید ایالات متحده برای بازدارندگی و مقابله به‌مثل در برابر یک حمله سایبری دارد. شماری از کشورها در حال تقویت راهبرد بازدارندگی سایبری و تشدید مسابقه تسلیحاتی در فضای سایبری هستند. بر اساس مبانی فقهی رهبر معظم انقلاب، هنگامی امکان این امر وجود دارد که هدف متخاصم ابتدای به نقض عهد کرده و آغازگر حمله باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص. ۲۷۵). بازدارندگی راهبرد اسلامی با ریشه قرآنی و از آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»^{۴۹} گرفته شده است. از سیره دفاعی رسول خدا (ص) نیز بازدارندگی استنباط می‌شود: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ إِذَا لَقِيَ الْعَدُوَّ عَبَا الرَّجَالَ وَ عَبَا الْخَيْلَ وَ عَبَا الْأَيْلَ» (قاضی نعمان مغربی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۳۷۲).

48. USCYBERCOM

۴۹. انفال: آیه ۶۰.

بر اساس آیات شریفه «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ»^{۵۰}، «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا»^{۵۱} و «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ»^{۵۲} و احادیثی مانند «رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ فَإِنَّ الشَّرَّ لَا يَدْفَعُهُ إِلَّا الشَّرُّ» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۷۱)، دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۲۷۵) و قواعد فقهی مقابله‌به‌مثل، ضمان و اتلاف (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۹۳). جمهوری اسلامی ایران باید در برابر تهدیدهای دشمن خصوصاً تهدیدهای ناشی از تحول در مفاهیم قدرت مانند تهدید سایبری، موازنه قدرت و اقدامات مؤثر بازدارنده از تهدیدهای نوین خصوصاً تهدیدهای سایبری را در دستور کار قرار دهد و معیارهای خاصی را برای مقابله‌به‌مثل در برابر حملات سایبری با هدف بازدارندگی تعریف کند. موازنه قدرت از طریق افزایش اقتدار بازدارنده انجام می‌شود. این موازنه در پرتو ارتقای توانمندی‌ها برای تهدید متقابل و ایراد ضربات ترجیحاً متناظر در صورت وقوع حمله دشمن در هر یک از عرصه‌های سخت و نرم حاصل می‌شود؛ مانند حمله به عین الاسد و عملیات وعده صادق ۱ و ۲.

نتیجه‌گیری (ارائه راهکارها و راهبردها)

از آن‌جاکه جمهوری اسلامی ایران دارای دشمنان زیادی در فضای مجازی است و تا کنون مورد آماج حملات سازمان‌یافته هیبریدی از سوی کشورهای متخاصم مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی واقع شده است، تنظیم دستورالعمل‌های واکنشی به حملات هیبریدی و حوادث سایبری اقدامی ضروری از سوی نظام اسلامی است. شناسایی و مقابله با تهدید هیبریدی دشوار است؛ زیرا ترکیب دو روش حمله گوناگون باعث غفلت، مخفی شدن یا آشکار نشدن حمله می‌شود. جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدید هیبریدی و ناامنی‌های فراتر از مرزهای خود می‌تواند راهبردهای زیر را برای تأمین امنیت سایبری خود در فراتر از مرزها در پیش گیرد: ایجاد سازمان‌های فراملی و فراملیتی، همکاری‌های بین‌المللی برای

۵۰. بقره: آیه ۱۹۴.

۵۱. شوری: آیه ۴۰.

۵۲. نحل: آیه ۱۲۶.

ایجاد رژیم عدم اشاعه تسلیحات سایبری، ائتلاف منطقه‌ای و جهانی برای امنیت سایبری، اجماع روی مجموعه‌ای از هنجارهای سایبری، تولید هنجارهای مشترک، تقویت جایگزین‌های نظم آیکان، بازدارندگی پیش‌کنشانه، جدا کردن واشینگتن از متحدانش، بیرون راندن آمریکا از دخالت در حکمرانی جهانی فضای مجازی، نظم بخشیدن دوباره به حکمرانی جهانی و منطقه‌ای فضای مجازی، اعمال حق دفاع مشروع و حمله پیشگیرانه. افزایش قدرت در فضای مجازی امکان نفوذ، برتری، اثرگذاری و منفعل‌سازی طرف‌های مقابل را اعطا می‌کند. از این‌رو برای تأمین منافع ملی، یکی از ارکان مهم راهبرد امنیت ملی سایبری جمهوری اسلامی ایران، توجه به ژئوپلیتیک فضای مجازی و مفاهیم سازنده آن است. مضامین سازنده ژئوپلیتیک فضای مجازی در راهبرد امنیت سایبری ایران عبارت‌اند از: مقابله با نقض حاکمیت، امنیت سایبری فراملی، تضعیف حکمرانی واحد، شبکه ملی اطلاعات. درباره کشورهای مورد تهاجم ایالات متحده، دفاع از مرزهای خود فضای مجازی به این معنی است که دولت باید فعالانه در برابر «تهاجم» مبانی و نظریه‌های غربی مانند اومانیسیم، لیبرالیسم و سرمایه‌داری ایستادگی کند. جمهوری اسلامی ایران برای تأمین منافع ملی خود و ارتقا به «قدرت سایبری در طراز قدرت‌های تأثیرگذار جهانی و برخورداری از ابتکار عمل و قدرت تعامل با دیگر کشورها در جهت شکل‌دهی به قواعد و قوانین مرتبط با فضای مجازی در عرصه جهانی با رویکرد اخلاق‌مدار و عادلانه»^{۵۳} ناچار به توسعه زیرساخت اطلاعاتی امن و پایدار ملی از طریق ایجاد و توسعه شبکه ملی اطلاعات است.

جمهوری اسلامی ایران برای تولید قدرت ملی سایبری و رویارویی با بافت سکویی و نظام پلتفرمی حکمرانی جهانی آمریکا بر فضای مجازی، باید به رفع پراکندگی، تعیین قلمروها و مرزها، ایجاد فرماندهی متمرکز منطقه‌ای، خروج از گمنامی اقدام کند. جمهوری اسلامی ایران باید قادر به تولید قدرت نرم اقناع‌گری ملتها برای تحقق امت واحده و تغییر رفتار دولت‌ها برای احیای تمدن اسلامی باشد. اولین گام تولید قدرت نرم، مستلزم پوشاندن

۵۳. بند سوم از حکم رهبر معظم انقلاب اسلامی به اعضای دوره دوم شورای عالی فضای مجازی در شهریور ۱۳۹۴.

آسیب‌ها و عبور از نقاط ضعف (تبدیل ضعف به قدرت) است. گام‌های دیگر تولید این قدرت در فضای مجازی می‌تواند شامل تهدیدزدایی، تبدیل تهدید به فرصت، بازدارندگی و پیشگیری (اعداد القوه)، فرصت‌سازی، تولید هژمونی، ساماندهی، بسیج ظرفیت‌ها و امکانات، تقویت زیرساخت‌ها و ایجاد توازن قوای منطقه‌ای و جهانی باشد.

الگوی اعمال قدرت هوشمند آمریکا بر فضای مجازی «رویکرد یک‌جانبه‌گرایی» است و آمریکا به دلیل استقرار شرکت‌های بزرگ و زیرساخت‌های فضای مجازی در این کشور و به بهانه جلوگیری از تکه‌تکه شدن (بالکانیزه شدن) فضای مجازی، خود را قدرت بلامنازع و حکمران واحد فضای مجازی می‌داند. بر همین اساس، ایالات متحده آمریکا یک هژمونی جمعی متشکل از بلوک غرب را در فضای مجازی راهبری می‌کند که در پرتو قدرت هوشمند، هنجارها و ارزش‌های خود را در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از طریق فضای مجازی به دیگر کشورها تحمیل می‌کند. کشورهای مخالف حکمرانی آمریکا (حکمرانی چندنی‌نفعی) قائل به «رویکرد چندجانبه‌گرایی» در حکمرانی بین‌المللی فضای مجازی هستند. الگوی حکمرانی چندجانبه، فضای مجازی را به‌عنوان یک حوزه پُرهرج‌ومرج می‌داند که ناامنی را در ابعاد جهانی تقویت می‌کند؛ بنابراین دولت‌ها باید در فضای مجازی سیاستگذاری کنند. از آن‌جاکه نفی سلطه بیگانه و مقابله با سیطره کامل آمریکا بر حکمرانی جهانی فضای مجازی یکی از اصول سند راهبرد سایبری جمهوری اسلامی ایران است، همکاری بین قدرت‌های فضای مجازی نوپیدا مانند چین و روسیه با کشورهای درحال توسعه منجر به تضعیف هژمونی آمریکا در فضای مجازی می‌شود. خط‌مشی رفتاری جمهوری اسلامی ایران در برابر منطق ثبات هژمونیک آمریکا، نظام «توازن قوا» است. بر اساس نظریه توازن قوای جهانی باید نظام تعادل قوا بین قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای برقرار شود. در این نظام، ۵ تا ۷ منطقه جهانی تعریف شده است که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان قدرت اول منطقه جنوب غرب آسیا شناخته می‌شود و رقیب او آمریکا است که در پی واپالایش منطقه است. از این‌رو حوزه تقابل ایران و آمریکا در منطقه شکل می‌گیرد. در منطقه دو لایه قدرت تعریف شده است، بازیگر اول ایران، بازیگران درجه دو عربستان و ترکیه هستند. پس کشورهای درجه دو با ابرقدرت در برابر

قدرت منطقه‌ای ایران متحد می‌شوند. در نظام موازنه قوا، جهان فاقد ابرقدرت واحد است و قدرت‌های منطقه‌ای دارای قدرت‌های نزدیک به هم و برابر هستند؛ مثلاً میزان تسلیحات نظامی قدرت‌ها بر اساس قراردادهای بین‌المللی به‌گونه‌ای متوازن می‌شوند که هیچ قدرتی بر دیگری برتری نداشته باشد و اگر کشوری در نقطه‌ای دارای قوت بود، سعی می‌شود در نقاط دیگر برای او ضعف ایجاد کنند تا توازن قوا حفظ شود. در این ساختار، مناطق به‌صورت مستقل اداره می‌شوند و ابرقدرت حاکم وجود ندارد و ساختارهای بین‌المللی متشکل از دیدگاه‌های کشورهای مختلف تعریف می‌شود و هر قدرتی در منطقه خودش ساختار فکری خود را پیاده می‌کند. در منطقه جنوب غرب آسیا جریان مقاومت، در شرق آسیا، چین و در اوراسیا، روسیه قدرت فعال هستند. مقام معظم رهبری در ۱۳۹۰/۱۱/۱۷ در پیوست حکم تشکیل شورای عالی فضای مجازی «ایمن‌سازی فضای مجازی و امکان بهره‌گیری همه کشورها از فضا بر اساس حاکمیت ملی و عدالت» را از مهم‌ترین اهداف این شورا بیان کردند. از این‌رو جمهوری اسلامی ایران به‌دنبال توازن قوا در عرصه حکمرانی جهانی فضای مجازی است؛ در منطقه خودش به‌دنبال تسلط بر منطقه و کوتاه کردن دست ابرقدرت آمریکا است و رقیبانش در حال اتحاد با آمریکا. در برابر این اتحاد، کشورها بر اساس منافع خود اتحادهایی را برای اداره امور بین‌المللی تشکیل می‌دهند و در برابر زیاده‌طلبی نظام سلطه و دست‌اندازی قرون وسطایی استکبار به منافع ملت‌های ضعیف ایستادگی می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴). این رویکرد مستلزم ایجاد نهادی در سازمان ملل متحد است که مسئولیت حکمرانی جهانی فضای مجازی را بر عهده خواهد داشت؛ اما در عین حال دولت‌ها قدرت تعیین سیاست‌های ملی خود را خواهند داشت. «الگوی حکمرانی چندجانبه» توسط روسیه، چین، ایران و هند حمایت شده است. خصوصاً پس از افشای ادوارد اسنودن^{۵۴}، حتی در میان برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا که به‌دنبال محافظت از مرزهای سایبری و داده‌های خود در برابر سیستم‌های نظارتی ایالات متحده هستند، شتاب بیشتری به‌دست آورده است (West, 2016, 7).

54. Edward Snowden

منابع

قرآن کریم.

ابن منظور، جمال‌الدین (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع. تافلر، الوین (۱۳۷۵)، *جابجایی در قدرت: دانایی و ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم*، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: سیمرغ.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹)، *جغرافیای سیاسی فضای مجازی*، تهران: سمت. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲)، *بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری*، ۱۳۹۲/۶/۱۴، قابل مشاهده در نشانی اینترنتی <https://khl.ink/f/23810>.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴)، *نامه رهبر معظم انقلاب به رئیس‌جمهور وقت درباره الزامات اجرای برجام*، ۱۳۹۴/۷/۲۹، قابل دسترسی در نشانی <https://khl.ink/f/31168>.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷)، *ثلاث رسائل فی الجهاد (الامان و الصائبه و المهادنه)*، تهران: فقه روز.

خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۹)، *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۳)، *شرح دعاء السحر*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج‌البلاغه*، تصحیح عطاءالله عطاردی، قم: مؤسسه نهج‌البلاغه.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۴)، *مفاتیح الغیب*، تعلیقات مولی علی نوری، تصحیح و مقدمه محمد خواجوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عاملی، سیدسعیدرضا (۱۳۸۹)، *مطالعات انتقادی استعمار مجازی آمریکا: قدرت نرم و امپراتوری‌های مجازی*، تهران: امیرکبیر.

عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹)، *نظریه‌های امنیت*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

- قاضی نعمان مغربی، ابوحنیفه (۱۳۸۵)، *دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ وَ نَكْرِ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ الْقَضَايَا وَ الْاِحْكَامِ*، قم: مؤسسه آل‌البيت عليهم‌السلام.
- قهرمانپور، عسکر (۱۳۹۳)، *دانشنامه قدرت نرم*، تهران: دانشگاه امام صادق عليه‌السلام.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳)، *قدرت ارتباطات*، ترجمه حسین بصیران جهرمی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، قم: دار الحديث للطباعة و النشر.
- لوکس، استیون (۱۳۷۰)، *قدرت: فرّ انسانی یا شرّ شیطانی*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مارکس، کارل و انگلس، فریدریش (۱۳۵۹)، *مانیفست حزب کمونیست*، ترجمه محمد پورهرمزبان، تهران: حزب توده ایران.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۰)، *اصول الفقه*، قم: اسماعیلیان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق)، *القواعد الفقهیة*، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).
- مولانا، حمید (۱۳۸۷)، *جریان بین‌المللی اطلاعات: گزارش و تحلیل جهانی*، ترجمه یونس شکرخواه، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- هابز، توماس (۱۳۷۸)، *لویاتان*، ترجمه یوسف اسدی، تهران: نشر نی.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۸)، *بایسته‌های فقه جزا*، تهران: نشر دادگستر.
- هاموند، فیلیپ (۱۳۹۰)، *رسانه، جنگ، پست مدرنیته*، ترجمه علیرضا آرزو، تهران: نشر ساقی.
- Broad, William J. & Markoff, John & Sanger, David E. (2011), "Israeli Test on Worm Called Crucial in Iran Nuclear Delay", *The New York Times*, 15 January 2012.
- Hampsher-Monk, Iain (1992), *A History of Modern Political Thought, Major Political Thinkers from Hobbes to Marx*. Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
- Jahan, F. (2016), "Media Wars: Narrative and Psychology", *International Journal of Communication*, Vol. 10.
- Karim, Ridoan & Bonhi, Tasmeeem Chowdhury. Afroze, Rawnak (2019), "Governance of cyberspace: personal liberty vs. National security", *International Journal of Scientific and Technology Research*, Volume 8, Issue 11.
- Kiggins, Ryan David (2014), "US Leadership in Cyberspace: Transnational Cyber Security and Global Governance", *Cyberspace and International Relations: Theory, Prospects and Challenges*, Berlin: Springer.
- Liaropoulos, Andrew N. (2017), "Cyberspace governance and state sovereignty", *Democracy and an Open-Economy World Order*, Switzerland: Publishing AG.
- Nossel, Suzanne (2004), "Smart Power", *Foreign Affairs*, Vol. 83, No. 2.

- Nye, Joseph (1990), "Soft Power", *Foreign Policy*. No. 80.
- Nye, Joseph (2005), *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, New York: Public Affairs Books.
- Pijovi, Nikola (2021), The Cyberspace 'Great Game'. The Five Eyes, the Sino-Russian Bloc and the Growing Competition to Shape Global Cyberspace Norms, *International Conference on Cyber Conflict, CYCON*, Volume 2021, Nato ccdcoe Publications, Tallinn.
- Shen, Yi (2016), "Cyber Sovereignty and the Governance of Global Cyberspace", *Chinese Political Science Review*, Vol. 1, No. 1.
- Vuving, Alexander L. (2009), "How Soft Power Works", *A paper presented at the panel "Soft Power and Smart Power"* American Political Science Association annual meeting, Toronto.
- Weiss, Moritz & Jankauskas, Vytautas (2019), "Securing cyberspace: how states design governance arrangements", *Governance*, Vol. 32, No. 2.
- West, Sarah (2016), "Globalizing Internet Governance: Negotiating Cyberspace Agreements in the Post-Snowden Era", *Conference Paper, TPRC 42: The 42nd Research Conference on Communication, Information and Internet Policy*.